

فهرست مطالب:

مقدمه

فصل اول: پیدایش سنت تألیف و تدوین مجموعهات منشآت دبیری و آثار در آداب کتابت تا اواخر قرن ششم هجری

۱- تعریف «مجموعه منشآت دبیری» و کتاب راهنمای آداب کتابت و فن انشاء

۲- پیدایش مجموعه منشآت دبیری در قرن پنجم و ششم هجری

۳- شیوه نگارش مجموعه منشآت دبیری
فصل دوم: دستورالکاتب و الارشاد فی الانشاء دو مجموعه منشآت محمد بن هندوشاه نخجوانی

۱- زندگانی و سرگذشت محمد بن هندوشاه نخجوانی
۲- ترتیب مطالب دستورالکاتب

۳- الارشاد فی الانشاء، مجموعه منشآت دیگر محمد بن هندوشاه نخجوانی

فصل سوم: مجموعههای منشآت دبیری در قرن هفتم

و هشتم هجری

۱- مصباح الرسائل و مفتاح الفضائل موفق بن محمد مجدی

۲- تحفه جلالیه یا جلالیه در علم مکاتب محمد بن علی ناموس خوارمی

۳- نفائس الفنون فی عرائس العنون شمس الدین محمد بن محمود املی

فصل چهارم: تحفه جلالیه و دستورالکاتب - رشد فن انشاء در قرن هشتم هجری

۱- تشکیلات مطالب «مقدمه» دستورالکاتب

۲- تعریفات فن انشاء در تحفه جلالیه

۳- تعریف و توضیح منصب کاتب در تحفه جلالیه نتیجه و چشم‌انداز

مقدمه

در بررسی نظام اتاری ایران دوره مغول، دستورالکاتب فی تعیین المراتب مجموعه منشآت محمد بن هندوشاه نخجوانی، یکی از مهمترین منابع محسوب می‌شود. لازم

به ذکر نیست که به طور کلی مجموعه‌های منشآت و آثار در آداب کتابت که از دوره سلجوقی به بعد به عنوان یک قسم از اقسام ادبیات فارسی به تدریج به رشته تحریر رسیدند، برای بررسی چگونگی تداوم و تحولات سنت دیوانسالاری ایرانی که یکی از قابل توجه‌ترین عناصر ساختار دولت‌های ایران محسوب می‌شود بی‌نهایت با ارزش‌اند. از این رو، محققان باید سعی کنند که نه فقط از اطلاعاتی که از چنین آثاری حاصل می‌شوند استفاده کنند، بلکه خود سنت تألیف و تدوین مجموعه‌های منشآت و آثار در آداب کتابت را مورد مطالعه قرار دهند، و با زمینه فکری و اجتماعی که دیوانسالاران را به تألیف این نوع آثار مجذوب ساخت آشنایی داشته باشند چرا که پیدایش مجموعه منشآت و آثار در آداب کتابت است که ماهیت سنت دیوانسالاری و روحیه دیوانسالاران ایرانی را به روشنی منعکس می‌نماید. در حالی که دستورالکاتب نه فقط معروفترین مجموعه منشآت دوره مغول است بلکه نسبت به مجموعه‌های منشآت دوران سابق نیز اثر بسیار بزرگ و بی‌نظیری محسوب می‌شود. چنین به نظر می‌رسد که محققان به خصوصیت این اثر به عنوان مجموعه منشآت که در قرن هشتم ه. ق. تألیف شده و موقعیت آن در تحول و تداوم سنت تدوین مجموعه‌های منشآت کمتر توجه داشته‌اند. در این دوره، به جز دستورالکاتب چند مجموعه منشآت و اثر در آداب کتابت دیگر نیز به رشته تحریر رسیده‌اند. اگر چنین آثاری را مورد مطالعه قرار بدهیم، می‌توانیم زمینه پیدایش دستورالکاتب را که اثر بی‌نظیر در منشآت است روشن‌تر بفهمیم.

مجموعه‌های منشآت و آثار در آداب کتابت هم از نظر اجتماعی و هم فرهنگی، مسائل مختلفی را ارائه می‌کنند که باید مورد بررسی محققان قرار بگیرند. اما در این اوراق این مسائل را به طور جدی مورد بحث قرار نمی‌دهیم، بلکه فقط

O ریوکو واتابه

دانشجوی دوره دکتری تاریخ دانشگاه تهران

پژوهشی در ساختار مجموعه‌های منشآت دبیری و تحول آیین‌های نگارش در دوره مغول

دستورالکاتب
الارشاد فی الانشاء
مصباح الرسائل و مفتاح الفضائل
تحفه جلالیه
نفائس الفنون فی عرائس العنون

سعی می‌کنیم که وضع سنت تالیف مجموعه‌های منشآت و آثار در آداب کتابت را به طور کلی بررسی کنیم. با این کار، امیدواریم که زمینه تالیف دستور الکاتب معلوم گردد.

فصل اول: پیدایش سنت تالیف و تدوین مجموعه‌های منشآت دبیری و آثار در آداب کتابت تا اواخر قرن ششم هجری

۱- تعریف «مجموعه منشآت دبیری» و کتاب راهنمای آداب کتابت و فن‌انشاء

در حالی که در مقدمه فوق آثاری که بنام «مجموعه منشآت» خوانده می‌شوند و نوشته‌های راجع به آداب و رسوم کتابت و فن‌انشاء را به صورت یک دسته در نظر گرفتیم، لیکن می‌دانیم که مجموعه منشآت و آثار در آداب کتابت را نمی‌توان یکسان دانست، چرا که اصطلاح «مجموعه منشآت» تمام مجموعه‌های نامه‌های نویسندگان بزرگ، اعم از ادبی و علمی و دیوانی را شامل می‌شود، و به خصوص مجموعه‌های ادبی و علمی با آثار در آداب کتابت که به منظور آموزش کاتبان اداری حرفه‌ای نگاشته شده کاملاً متفاوتند.^۱ لیکن، باید به این نکته توجه داشت که به طور کلی در تهیه مجموعه‌های منشآت بیشتر نظر به انشاء و نامه‌نگاری بوده است. در اکثر مجموعه‌های منشآت، حتی مجموعه منشآت کاتبان حرفه‌ای مانند عتبه الکاتبه و التوسل الی الترس، نامه‌های دوستانه و خصوصی (اخوانیات) با نامه‌ها و فرامین رسمی (سلطانیات) اغلب در هم آمیخته‌اند.^۲ از سوی دیگر، از آثار درباره آداب کتابت، اثری وجود ندارد که معلوم شود در تهیه آن کلام یکی از «اخوانیات» و «سلطانیات» کنار گذاشته شده است. از این رو، با توجه به علاقه متقدمین به فن‌انشاء یا ترسل که باعث تدوین مجموعه منشآت و آثار در آداب کتابت شده، تمیز و تشخیص بین این دو دشوار است. به عبارت دیگر، اهمیت فن‌انشاء که جزء دوازده علم ادبی محسوب می‌شده و یکی از آداب عمده فرهنگ ایران بعد از اسلام تلقی می‌گشته، زمینه پیدایش این دو نوع اثر ادبی را فراهم کرد.

در این اوراق، از مجموعه‌های منشآت گوناگون، فقط مجموعه‌های منشآت دبیران بزرگ را انتخاب کرده‌ایم، مانند عتبه‌الکاتبه و التوسل الی الترس و غیره، و همچنین مجموعه منشآت و کتب راهنمای آداب کتابت مانند دستور الکاتب را نیز مورد مطالعه قرار داده‌ایم، چرا که این نوع مجموعه‌های منشآت از نظر «هل قلم» (دیوانسالاران) به دلیل آموزش فن‌انشاء اداری حرفه‌ای اهمیت خاصی دارند، و از این رو، از نظر کاربرد و مقصود آن، با آثار در آداب کتابت یکسان‌اند.^۳ در اینجا این نوع مجموعه منشآت را «مجموعه منشآت دبیری» می‌نامیم.

۲- پیدایش مجموعه منشآت دبیری در قرن‌های پنجم و ششم هجری

در اوایل دوره اسلامی، مجموعه‌های منشآت دبیری و کتابهای راهنمای آداب کتابت اولیه به زبان عربی نگاشته شده‌اند. آقای سید علی موید ثابتی اشاره نموده است که در قرن چهارم هجری چند مجموعه منشآت عربی کاتبان معروف مانند ابواسحق صابی (متوفی در سال ۲۸۴ ه. ق.) و ابن عمید (متوفی در سال ۳۵۹ یا ۳۷۰ ه. ق.) تدوین شده‌اند.^۴

پیش از این مجموعه‌ها، در قرن سوم هجری، کتاب راهنمای آداب کتابت، کتاب «الکاتب تالیف درستویه، به رشته تحریر رسیده است.^۵ به این ترتیب بدیهی است که فن‌انشاء، در ضمن تکمیل صرف و نحو زبان عربی، اول به عربی رشد

کرده، و آداب و آیین‌های دبیری نیز به همان زبان صورت گرفته در حالی که برخی از سازندگان آن ایرانی بودند.

لیکن، به نظر می‌رسد از قرن پنجم هجری به بعد، فن‌انشاء فارسی که برپایه آیین‌های انشاء عربی توسعه یافته بود بتدریج اهمیت پیدا کرده، و مجموعه‌های منشآت دبیری و کتابهای راهنمای آداب کتابت به فارسی نگاشته شدند.

ظاهراً اثری بنام زینت الکتاب که به ابوالفضل محمدیهقی مؤلف تاریخ بیهقی نسبت داده شده، چنانکه از نامش معلوم می‌شود، به احتمال زیاد در آداب کتابت بوده است و بنابراین می‌توان آن را راهنمای فن‌انشاء محسوب نمود.

اما این اثر اکنون موجود نیست. قدیمی‌ترین مجموعه‌های منشآت دبیری که موجوداند و در دوران سلجوقی و خوارزمشاهی بطور آهسته آهسته عبارت‌اند از عتبه الکاتبه و التوسل الی الترس. عتبه‌الکاتبه مجموعه مکاتبات دیوانی منتجب‌الدین بدیع‌عبدالله الجوینی صاحب دیوان انشاء دولت سلطان سنجر سلجوقی (۵۴۹-۵۱۱ ه. ق.) است که در حدود سالهای ۵۴۸-۵۲۸ ه. ق. گردآوری شده است.^۶ التوسل الی الترس مجموعه منشآت پهلای‌الدین محمدبن موید بغدادی منشی علاءالدین تکش خوارزمشاه (۵۹۶-۵۶۸ ه. ق.) است.^۷ چنانکه گفته شد، این دو اثر مجموعه منشآت منشیان بزرگان و بدیهی است که نامه‌های متعددی که در آن جمع آوری شده‌اند برای بررسی سازمان اداری آن دوران بسیار مفیداند.

دستور دبیری تألیف محمدبن عبدالخالق المیهنی، به عنوان کتاب راهنمای آداب کتابت و دبیری قدیمترین اثر محسوب می‌شود که در اواخر قرن پنجم هجری به رشته تحریر در آمده است.^۸ علاوه بر این، چهار مقاله و قابوس‌نامه را نیز می‌توان در شمار آثار مربوط به آداب کتابت و فن‌انشاء محسوب داشت.^۹ به این ترتیب، معلوم می‌گردد که از قرن پنجم تا اواخر قرن ششم ه. ق. فن‌انشاء و دبیری به زبان فارسی شکل کاملی گرفته و نویسندگان تالیفات خود را درباره این فن به صورت مجموعه‌های منشآت و آثار راهنمایی کتابت و آثار ادبی دیگر آغاز کردند.

۳- شیوه نگارش مجموعه منشآت دبیری
چنانکه پیش از این گفته شد، مجموعه‌های منشآت دبیری، طبق آداب کتابت، به موجب تقسیم «مناشیر» یا «امثله» یعنی احکام دیوانی و سلطانی و «اخوانیات» یعنی مکاتبات خصوصی تدوین شده‌اند. اما این تقسیم‌بندی و فصل‌بندی در اولین مجموعه‌های منشآت دبیری مبهم و ساده است.

در عتبه الکاتبه، با اینکه ساختار آن چنان ساده است که علی‌الظاهر فصل‌بندی ندارد ابتدا نامه‌های دیوانی سپس نامه‌های اخوانیات، جداگانه ترتیب یافته‌اند. در التوسل الی الترس، که دارای ساختار منظم‌تری است، مؤلف بعد از دیباجه، دو فصل مقدمه مانند را گذاشته است که در فصل دوم درباره انشاء فارسی و سبک‌های مختلف نویسندگان و سبک خویش به اختصار سخن گفته‌است، و متن اصلی را بر سه قسم تقسیم نموده است: اول «مناشیر دیوانی و فتوح و عهد و معاهدات»، یعنی نمونه فرمان‌ها، مناشیر دیوانی، عهدنامه‌ها، و فتح نامه‌ها؛ دوم «امثله و مکاتبات که از حضرت اجل‌الله به ملوک و اصحاب آن اطراف نافذ گشت»، یعنی نمونه نامه‌هایی که از جانب سلطان به امراء و ملوک اطراف نوشته شده؛ و سوم «اخوانیات و ملاطفات که من به بزرگان و دوستان نوشته‌ام»، یعنی نمونه نامه‌های خصوصی.

دستور دبیری، که کتاب راهنمای دبیری است، درباره رسوم ترتیب موضوعات مجموعه منشآت دبیری اشارات مختلفی می‌کند. این کتاب مشتمل بر دیباجه و دو قسم است. قسم اول «عنوانات» یعنی بیان حرفه‌ای در آداب و رسوم دبیری است که متأسفانه اینجا نمی‌توانیم به مطالعه دقیق موضوع آن برسیم، و قسم دوم «نامه‌ها» شامل نمونه نامه‌های مختلف است. نامه‌هایی که در این قسم معرفی شده‌اند به قرار زیر تقسیم شده‌اند؛ اول نامه‌هایی که به اخوانیات تعلق دارند، مانند نامه «افتتاح به مکاتبات»، «اشتیاق»، «شکر»، «شکایت»، «عتاب»، «تهنیت»، «تعزیت»، «عنایت» و «عیادت». دوم مجموعه «رقعه‌ها»^{۱۰} در هر معنی که شامل «هدیه فرستادن»، «دعوت»، «مشاورت»، «استعفا»، «استقراض»، «ملطفه» و «قصه» است. سوم «سلطانیات» مانند منشور و مثال به «عنایت»، «چهارم»، «محاضر»، «پنجم» نمونه نامه‌ای به نام «جماعت نامه»، و ششم نامه‌ای بنام «اتفاق نامه» که به امور استیفاء تعلق دارد. بعد از آن چندین نمونه «گواهی» آرایه شده است که برای محضرها و جماعت نامه‌ها و اتفاق نامه‌های مذکور نوشته شده‌اند.

تقسیم‌بندی انواع نامه‌ها در دستور دبیری، با وجود پیچیدگی و ابهام آن، رسم نامه‌نگاری و وضع فن‌انشاء این دوره را به خوبی نشان می‌دهد. باید توجه داشت که این تقسیم‌بندی‌ها در مجموعه‌های منشآت دبیری دوران بعدی که بعد از این مورد بحث قرار خواهیم داد نیز به صورت پیچیده‌تر و پیشرفته‌تر دیده می‌شود. ضمناً به این نکته مهم نیز باید اشاره کرد که مؤلف دستور دبیری فن استیفاء را جزء فن‌انشاء و دبیری دانسته است.^{۱۱}

فصل دوم: دستور الکاتب و الارشاد فی الانشاء؛ دو مجموعه منشآت محمدبن هندوشاه نخبجویی

۱- زندگانی و سرگذشت محمدبن هندوشاه نخبجویی
محمدبن هندوشاه نخبجویی، ملقب به شمس المنشی، از خانواده‌های دانشمند بلند مرتبه آن زمان بود. پدرش فخرالدین هندوشاه بن سنجر بن عبدالله صاحب نخبجویی، مؤلف تجارب السلف، مترجم منیه الفضلاء فی تواریخ الخلفاء و وزراء تألیف ابن الطقطقی، یکی از دانشمندان نامی در اوایل دوره مغول، یعنی نیمه اول قرن هفتم هجری بود و در دستگاه خاندان جوینی خدمت می‌کرده است. آقای عباس اقبال در دیباجه تجارب السلف می‌نویسد: یکی از نسبت‌های فخرالدین، صاحبی، شاید ناشی از منصب صاحب دیوان یعنی منصب شمس‌الدین جوینی یا برادرش علاءالدین عطاملک باشد که تصور می‌رود فخرالدین با آنها ارتباط نزدیکی داشته است. لازم بذکر نیست که نسبت دیگر این پدر و فرزند - نخبجویی - نشان می‌دهد که آنها اهل نخبجوان بوده‌اند که جزء ولایت آذربایجان، مرکز حکومتی دولت مغول بود و «تومان» (یعنی واحد آثاری و نظامی) محسوب می‌شد.^{۱۲} از این رو، بسیار طبیعی بود که محمد بن هندوشاه به عنوان دیوانسالار در پی پدر وارد دستگاه حکومت مغول شود همچون خانواده جوینی و فریومدی، خانواده‌های بلند مرتبه خراسان که در اوایل دوره مغول وارد خدمت امیر ارغون حاکم خراسان و مازندران شده و به امور دیوانی پرداخته بودند. می‌توان گفت که محمدبن هندوشاه نمونه دیوانسالاران ایرانی‌ای است که در دولت‌های ترک و مغول خدمت می‌کردند. لیکن، وی از جمله سیاستمداران چون شمس‌الدین جوینی و رشیدالدین فضل‌الله همدانی نبود که به وسیله منصب خود قدرت



بدیع اسعاف و انجاح می‌نماید» [دستور الکاتب، ج ۱، ص ۹].

وی در این جملات خاطر نشان کرده است که آداب و رسوم انشاء دوره سابق به درد نویسندگان معاصر نمی‌خورد. از اسامی نویسندگانی که محمدبن هندوشاه نام برده است، اسم رشیدالدین وطواط که به عنوان صاحب استعداد انشاء بسیار شهرت داشت و در عتبه‌الکتبه و نفائس الفنون و عرائس العیون تألیف شمس‌الدین املی نیز نوشته او نقل شده است^{۲۱}، و بهاء‌الدین محمدبغدادی مؤلف التوسل الی الترسل به چشم می‌خورند. محمدبن هندوشاه اسم ابوبکر خوارزمی را نیز آورده است^{۲۲} که ادیب قرن چهارم هجری و خواهرزاده طبری مورخ است^{۲۳}. از این جا معلوم می‌گردد که تا زمان محمدبن هندوشاه، طی قرون، فن انشاء از نویسندگان مشهور برخوردار بوده که همه اهل قلم با آثار آنها آشنایی داشتند، ولی محمدبن هندوشاه در حالی که به آثار بزرگان دوران سابق احترام می‌گذاشت، معتقد بود که زمان خود او به «انشاء معاصر» محتاج است.

اکنون با درنظر گرفتن این نکته، به مطالب و موضوعات دستورالکاتب نگاهی می‌کنیم. دستورالکاتب مشتمل بر مقدمه و دو قسم است.

مطالب دستور الکاتب

دبیاچه: حمد خداوند، نعت پیغمبر (ص)، مدح شیخ اویس و احوال خود مؤلف.
مقدمه: در بیان کیفیت این کتاب و شرط شروع متمامل در آن.

قسم اول: در مکاتبات

مرتب اول: در مکاتبات سلاطین و خواتین سلاطین و اولاد ایشان و القاب و ادعیه که به یکدیگر نویسند و احوالی که بعد از القاب ذکر کنند.

ضرب اول: در القاب و ادعیه که به سلاطین و خواتین و اولاد ایشان نویسند و ذکر پادشاه کاتب که مکتوب منه است (۱) القاب سلاطین و دعای عربی (۲) خواتین (۳) اولاد سلاطین

ضرب دوم: در ذکر احوالی کی بعد از القاب و ادعیه به سلاطین نویسند ۲۰ فصل

(۱) تهنیت به جلوس سلطنت (۲) نصیحت (۳) فتح راه حج و فرستادن محمل (۴) فتح لشکر و شکستن دشمن (۵) عزیمت به طرفی از اطراف (۶) استمداد به نفس و لشکر و مال (۷) مستظهر گردانیدن شکستگان (۸) طلب دوستی و موافقت (۹) طلب و صلت و جواب / (۱۰) تهنیت زفاف (۱۱) تهنیت ولادت فرزند (۱۲) عتاب / (۱۳) اعتذار (۱۴) امان خواستن و امان دادن (۱۵) عهود و مواتیق (۱۶) تهدید (۱۷) سپارش (۱۸) تعزیت (۱۹) ترددتجار و قوافل (۲۰) استدعای حضور بزرگی

مرتب دوم: در مکاتبات امرای الوس و وزراء و خواتین و اولاد ایشان...

ضرب اول: در القاب و ادعیه طوایف مذکوره: ۲۶ فصل:
(۱) امراء و خواتین و اولاد (۲) وزراء و خواتین و اولاد / (۳) نقیب القباء و سادات (۴) مشایخ و مریدان (۵) قاضی القضاة و دیگر قضاة و اتباع (۶) نواب دیوان سلطنت (۷)

پیدایش مجموعه منشآت و آثار در آداب کتابت است که ماهیت سنت دیوان سالاری و روحیه دیوان سالاران ایرانی را به روشنی منعکس می‌نماید

بدیهی است که فن انشاء، در ضمن تکمیل صرف و نحو زبان عربی، اول به عربی رشد کرده، و آداب و آیین‌های دبیری نیز به همان زبان صورت گرفت، در حالی که برخی از سازندگان آن ایرانی بودند

۲- ترتیب مطالب دستور الکاتب

محمدبن هندوشاه نخجوانی، چنانکه گفته شد، به دستور وزیر غیاث‌الدین رشیدی به تألیف دستور الکاتب دست زد. لیکن، چون تحریر آن بعد از سقوط دولت ایلخانان (در سال ۳۶ هـ. ق.) به اتمام رسید، وی این اثر را به شیخ اویس پسر شیخ حسن بزرگ مؤسس سلسله جلایری تقدیم کرد^{۲۴}. از این رو، در دستور الکاتب می‌بینیم که محمدبن هندوشاه درباره سازمان نظامی و اداری و دینی دولت مغولی که طی یک قرن بتدریج شکل گرفته مفصلاً توضیح داده است^{۲۵}. شاید به این دلیل باشد که محققان به عنوان منبع بررسی سازمان اداری دولت ایلخانان به دستور الکاتب فوق‌العاده اهمیت می‌دهند. اما، نباید از یاد برد که دستورالکاتب درباره فن انشاء به رشته تحریر درآمده نه شرح سازمان‌های دولت ایلخانان. محمدبن هندوشاه در بیان سبب تألیف این اثر می‌گوید:

«ضابطه تراکیب برحسب هر عصر و زمان مختلف و متفاوت می‌شود و تراکیب منشیان سابق افاضل وجود و استادان جهان رشیدالدین وطواط و بهاء‌الدین محمد بغدادی و نورالدین منشی و رضی‌الدین خشاب... با وجود تفوق در مراتب فصاحت و رجحان در معارج و بلاغت مصطلح ابناء روزگار در لواحق اعصار نیست و البته آن قاعده مهممل و آن ضابطه غیر مستعمل حی ماند و قرائح بلغاء دهر و فضلالی عصر در ادوار زمان بایراد ترکیبی غریب و ترتیبی مستحسن

بزرگی به دست آوردند، بلکه کاتب حرفه‌ای بود که تا آخر عمرش فقط به تخصص خود، دبیری، مشغول بود. تألیف معروف دیگر او، صحاح‌الفرسی، لغت نامه فارسی است که آشنایی او با زبان فارسی را به خوبی نشان می‌دهد^{۲۶}. از این رو، در زندگانی و سرگذشت او، و آثار و افکار او شاید چگونگی تحول و تداول سنت دیوانسالاری و سنت «اهل قلم» در مقابل «اهل شمشیر» که جزء هویت سیاسی و فرهنگی ایران است بروشنی دیده شود.

محمدبن هندوشاه، مثل پدر خود که زیر سایه خانواده جوبینی بود، به وسیله حمایت یک سیاستمدار قدرتمند توانست هنر خود را نشان بدهد: صحاح‌الفرسی را به نام غیاث‌الدین محمد پسر رشیدالدین که وزیر آخرین ایلخان ابوسعید و حامی دانشمندان و ادباء متعددی بود تألیف نمود. فکر تألیف دستورالکاتب، بزرگترین اثر او نیز به همین وزیر تعلق داشت^{۲۷}. این نکته قابل توجه است که در آغاز و آخر دوره ایلخانان، تحت حمایت دو وزیر برجسته، ادبیات و علوم مختلف فصل شکوفایی را پیدا کرده و آثار ادبی و علمی متعددی به رشته تحریر رسیدند (البته پدر غیاث‌الدین، رشیدالدین نیز به حمایت از فضلاء و دانشمندان بسیار مشهور است)^{۲۸}. اما، برخلاف وضع فرهنگی زمان وزارت جوبینی که ادامه دوره سابق بوده، شکوفایی ادبیات و فرهنگ در زمان وزارت غیاث‌الدین پدیده جدیدی بود که بعد از تجربه دگرگونی اجتماعی و فرهنگی که توسط حکومت مغول در ایران اتفاق افتاد، پدید آمد.

نواب دیوان وزارت / (۸) امراء اولکا و تومانات / (۹) مقربان پادشاه / (۱۰) اتابکان / (۱۱) شروانشاهان / (۱۲) امراء گیلانات / (۱۳) وکیل حضرت سلطنت / (۱۴) الخ بیتچی ممالک / (۱۵) مستوفی ممالک / (۱۶) مشرف ممالک / (۱۷) ناظر ممالک / (۱۸) حکم ممالک / (۱۹) حافظ مال ممالک / (۲۰) منشی ممالک / (۲۱) حاکم اوقاف ممالک / (۲۲) حجاب سلاطین / (۲۳) ملوک ولایات / (۲۴) رسولان اطراف / (۲۵) امیر شکار / (۲۶) امیرمجلس.

ضرب دوم: در احوالی که این طوایف به یکدیگر نویسند: ۱۶ فصل:

(۱) تهنیت تفویض عمل و نوازش سلطان / (۲) تهنیت قدوم یعنی از سفر باز آمدن / (۳) در اعلام احوال اخلاص و اتحاد / (۴) طلب موافقت و دوستی / (۵) تحف و هدایا فرستادن / (۶) عذر مکارم خواستن / (۷) معاتبات / (۸) استغفار از خطایا / (۹) استغفا از تقلد اعمال دیوانی / (۱۰) طلب حضور از ملکی به ملکی / (۱۱) مشاورت و حزم / (۱۲) عیادت مرضی / (۱۳) تهنیت صحت / (۱۴) تقدد اصحاب مکاره / (۱۵) تهنیت خلاص یافتن از مکاره / (۱۶) استعمال گریختگان و باز خواندن ایشان مرتبه سوم: در مکاتبات اشرف الناس... و وساط الناس و غیرهم.

صنف اول: در القاب و ادعیه و مکاتبات اشرف الناس: (۱) علماء / (۲) حکماء / (۳) مدرسان / (۴) مفتیان / (۵) مفسران / (۶) محدثان / (۷) وعاظ / (۸) خطباء / (۹) اطباء / (۱۰) معیدان / (۱۱) امامان / (۱۲) فقها / (۱۳) حفاظ / (۱۴) ارباب فتوت / (۱۵) صلحا و منقطعان / (۱۶) گوشه نشینان / (۱۷) محتسبان / (۱۸) منجمان / (۱۹) شعراء / (۲۰) استاتان / (۲۱) جد و پدر / (۲۲) جد و مادر / (۲۳) عم و خال / (۲۴) عمه و خاله / (۲۵) برادران بزرگ / (۲۶) برادران کوچک / (۲۷) خواهران / (۲۸) پسران / (۲۹) دختران / (۳۰) خواجه سرایان / (۳۱) اصحاب و دوستان / (۳۲) ندما / (۳۳) تجار / (۳۴) ابطال و شجعان / (۳۵) اسفهلاران / (۳۶) کوتوالان قلاع / (۳۷) مقدمات طوایف / (۳۸) مهندسان و معماران / (۳۹) صنور و اعیان.

مضمونات

بیان فراق و اشتیاق و تمنی و ملاقات / اجوبه مکتوبات و صفت خط و عبارات / احوالی که پیش از ملاقات نویسند / اجوبه که پیش از ملاقات نویسند / استدعای مراجعت / مصلحتی که کاتب به مکتوب الیه رجوع کند / رقاغ مختلفه. صنف دوم: در خطاب اوساط الناس و غیرهم: ۱۲ فصل: (۱) روسا و دهاقین / (۲) اتراک / (۳) اکراد / (۴) اعراب / (۵) قلندران / (۶) متعلقان و غلامان / (۷) فرایشان / (۸) ساربانان / (۹) خربندگان / (۱۰) کاروان سالاران / (۱۱) سوچه و محترقه / (۱۲) مخالفان اسلام.

مرتبه چهارم: در مکاتبات مشترکه میان سلاطین و امراء و وزراء و خواتین... عرضه داشت رعایا به سلاطین... و محاضر و اجوبه و شرط نامه... و تذکره: ۲۰ فصل:

(۱) مکاتبات امراء و وزراء منقطع تارک به پادشاه در فتح مملکتی / (۲) مکاتبات پادشاه و امراء / (۳) مکاتبات پادشاه و وزراء / (۴) مکاتبات پادشاه و ملوک ولایات / (۵) مکاتبات

خواتین سلاطین / (۶) مکاتبات خواتین پادشاه و خدم / (۷) مکاتبات وزراء و خواتین پادشاه / (۸) مکاتبات امراء و وزراء / (۹) مکاتبات وزراء به یکدیگر / (۱۰) مکاتبات ارکان دولت / (۱۱) مکاتبات وزراء و اصحاب دیوان / (۱۲) مکاتبات اصحاب دیوان و ملوک ولایات / (۱۳) مکاتبات اصحاب دیوان به یکدیگر / (۱۴) مکاتبات سادات و مشایخ و قضاوم به وزراء / (۱۵) مکاتبات وزراء و حکام ولایات / (۱۶) مکاتبات وزراء و نواب خاصه / (۱۷) عرضه داشت رعایا به سلاطین / (۱۸) کتابت محاضر و اجوبه آن / (۱۹) شرط نامه کی یکی از نواب به حضرت پادشاه دهند در مهمی که بلو تفویض باشد و جواب آن / (۲۰) تذکره که به امراء و وزراء و اعظام مملکت نویسند و اجوبه آن

قسم سوم: در احکام دیوانی و تفویض اعمال به امراء معول و وزراء...

باب اول: در تفویض اعمال و اشغال به امراء معول و وزراء و اصحاب دیوان بزرگ و قضایای شرعی

ضرب اول: در تفویض اعمال و مناصب به امرای معول و اتباع ایشان... ۱۲ فصل:

(۱) امارت الوس / (۲) امارت اولکا / (۳) امارت تومانات و هزاره و صد / (۴) امارت یارغو در آوردی معظم / (۵) شحنگی ولایات / (۶) کتابت مغولی به بخشیان / (۷) جمع کردن امرای لشکر / (۸) تعیین اقطاعات / (۹) بوکاولی لشکر / (۱۰) یاساولی / (۱۱) یورتچی / (۱۲) بلارغوچی

ضرب دوم: در تفویض اعمال و مناصب به وزراء و اصحاب دیوان بزرگ: ۲۴ فصل:

(۱) وزارت ممالک / (۲) نیابت سلطنت / (۳) استیفاء ممالک / (۴) الخ بیتچی ممالک / (۵) نظارت ممالک / (۶) اشرف ممالک / (۷) حکمی ممالک / (۸) انشاء ممالک / (۹) نیابت وزارت / (۱۰) دفتر داری ممالک / (۱۱) حکومت و تصرفی ولایات / (۱۲) قانون و یاسامیشی و تعدیل / (۱۳) در حزر و تخمین / (۱۴) احصاء مواشی و قویجور / (۱۵) استخراج احکام ولایات / (۱۶) اسفهلاری / (۱۷) امارت عسس / (۱۸) ملک التجاری / (۱۹) حکومت دار الضرب و معیری / (۲۰) صاحب جمعی اموال / (۲۱) مناصب قلمی ولایات / (۲۲) تتغاولی و راهداری / (۲۳) کاروانسالاری / (۲۴) ریاست

ضرب سوم: در تفویض مناصب شرعی به اصحاب آن... ۲۰ فصل:

(۱) قاضی القضاة ممالک و قضایا ولایات / (۲) نقیب التقیایی و حکومت اوقاف سادات / (۳) حکومت اوقاف ممالک / (۴) امارت محمل و وفد حجاج / (۵) تدریس / (۶) خطابت / (۷) احتساب / (۸) اعادت / (۹) فقاقت / (۱۰) شیخی خانقاه / (۱۱) اثبات صوفی در خانقاه / (۱۲) ساعوری بیمارستان / (۱۳) کتابت دارالقضاة / (۱۴) امینی دارالقضاة / (۱۵) مورخی حجج و قبالات / (۱۶) عاملی زکوات / (۱۷) حکومت بیت المال / (۱۸) مصرفی جزیه / (۱۹) امامت / (۲۰) اذان

باب دوم: در احکام مختلفه: ضرب اول: در احسان و رعایت: ۱۶ فصل: (۱) فتح نامه تونکقال / (۲) ادرار و مقاصه / (۳) معیشت و مقاصه / (۴) تعیین مرسوم / (۵) تخفیف متوجهات دیوانی /

(۶) معافی و مسلمی / (۷) ابطال قواعد ذمیمه / (۸) رفع فواحش و منکرات / (۹) تبارک مافات از خسارت و غیر آن / (۱۰) ظلامات ولایات / (۱۱) استمالت رعایا / (۱۲) مستظهر گردنبدین خایفان / (۱۳) عفو مجرمان / (۱۴) امان دادن خایفان / (۱۵) قرار شمسی / (۱۶) عمارت بایرات.

ضرب دوم: در تهدید مجرمان و منع ایشان: ۶ فصل: (۱) عزل عمال متعدی / (۲) استرداد حقوق مظلوم از ظالم / (۳) حبس و قید ظلمه / (۴) نهب و غارت دشمنان دین / (۵) دفع مفسدان و حرامیان / (۶) اخراج متمردان از نواحی.

خاتمه

«مقدمه» شرح مختصری راجع به فن انشاء است، که درباره آن بعداً بحث خواهد شد. تقسیم بندی دو قسم، «مکاتبات» و «احکام دیوانی» با تقسیم بندی «خواتین» و «احکام» که در مجموعه های منشآت سابق مذکور بود، یکی است. اما، به یک لحظه فهمیده می شود که ترتیب موضوعات هر قسم بسیار مفصل و پیچیده است و دستور الکاتب به عنوان مجموعه منشآت دبیری دارای روشی منحصر به فرد است.

قسم اول «مکاتبات» بر چهار مرتبه تقسیم شده است. سه مرتبه اول مربوط به سه طبقه حکومتی و اجتماعی است؛ «سلاطین و خواتین و اولادشان»، «امرای الوس و وزراء...» و دیگر ارکان دولت، «اشرف الناس و اوساط الناس»، «القباب و خطاب و ادعیه و نمونه نامه ها به معنای مختلف برای هر طبقه را در هر مرتبه جداگانه ترتیب داده اند. و مرتبه چهارم، «مکاتبات مشترکه» مربوط به نامه های بین الطبقة است.

قسم دوم، «احکام دیوانی» نیز بر سه دسته بندی تقسیم شده است: «مناصب امراء معول»، «مناصب دیوان بزرگ»، و «مناصب شرعی». نه فقط دستورهای مربوط به تفویض مناصب بلکه احکام مختلف نیز طبق این دسته بندی ها تقسیم شده اند. و احکامی را که به هیچ کلام این سه طبقه تعلق ندارند در «احکام مختلفه» دسته کرده اند. محققان معتقدند که در این سه تقسیم بندی نظام حکومتی واقعی دولت ایلخانان منعکس شده است، و به همین دلیل است که محققان در بررسی سازمان اداری دولت مغول به خصوص به قسم دوم اهمیت می دهند.

به این ترتیب معلوم می شود که محمد بن همنوشاه به تقسیم مراتب و طوایف بیشتر اهمیت داده است، تا تقسیم بندی انواع نامه ها. این ویژگی و تقسیم بندی های دستور الکاتب نسبت به مجموعه های منشآت دیگر غیر معمول به نظر می رسد. شاید از این جهت باشد که مؤلف در مقدمه درباره چگونگی ترتیب دادن مطالب قسم اول توضیحی داده است.^{۳۳}

۳. الارشاد فی الانشاء؛ مجموعه منشآت دیگر محمدبن هندوشاه نخجوانی

محمدبن هندوشاه نخجوانی بجز دستورالکاتبه مجموعه منشآت دیگری را نیز تالیف کرده است. بنام الارشاد فی الانشاء^{۳۴}. این اثر پس از دستورالکاتب تهیه شده است. مؤلف در دیباچه درباره سبب تالیف این کتاب چنین نوشته



قدیمی ترین مجموعه های منشآت دبیری که موجوداند و در دوران سلجوقی و خوارزمشاهی به ظهور آمده اند، عبارت اند از: عتبه الکتبه والتوسل الی الترسل.

عتبه الکتبه مجموعه مکاتبات دیوانی منتجب الدین
بدیع اتابک الجوینی صاحب دیوان انشاء دولت سلطان
سنجر سلجوقی (۵۴۹-۵۱۱ ه.ق) است که در حدود
سال های ۵۴۸-۵۲۸ ه.ق. گردآوری شده است.

است:

«چون از تصنیف کتاب دستور الکاتب فی تعیین المراتب که در فن انشاء عظیم النظیرست فراغت یافت بعضی از طالبان که بسبب تطویل کتاب و تنوع فصول و تشعب انواع، قدرت استکتاب آن نداشتند التماس کردند کی اگر از آنجمله منتخبی استخراج رود کی چون یاد گیرند سهولت مطالب این فن وصول یابند متضمن حسن ثواب باشد، برحسب التماس ایشان این رساله را که موسوم است به کتاب الارشاد فی الانشاء از آنجا استخراج کرده شد» [الارشاد فی الانشاء/ اسعداقتدی: ۲ پ].

از این جا معلوم می شود که الارشاد فی الانشاء به عنوان گزیده و خلاصه دستور الکاتب تالیف شده است، بنابراین در واقع مطالب این اثر با مطالب دستور الکاتب فرق زیادی ندارد، اما تقسیم بندی و ترکیب بابها و فصلها تا حدی تفاوت دارد، تنها نسخه موجود از آن مناسفانه ناقص است و اکثر اقسام باب سومی که برای بررسی نظام اداری دولت مغول بی نهایت با ارزش بوده، افتاده است ولی کل مطالبش به صورت فهرست در دیباچه معلوم می شود. در اینجا مطالب این اثر را با مطالب دستور الکاتب تطبیق می نمایم تا مشخصات دستور الکاتب بیشتر معلوم گردد.

فهرست مطالب الارشاد فی الانشاء (نسخه متعلق به کتابخانه اسعد اقتدی، با علامت= موجود است، = شماره ابواب و فصول از دستور الکاتب):

دیباچه [۲ پ.]

باب اول: در القاب و ادعیه پادشاهان و خواتین و اولاد ایشان و امرا و وزرا و ارکان دولت و اعیان مملکت و سایر اصناف تا سوقة و محترفه و غیر هم مشتمل برهفتاد فصل؛ [ق ۱ م ۱-۱ ص ۲۰۱۰-۲ ص ۳ ص ۱ و ۲]

(۱) در القاب و ادعیه سلاطین / (۲) در خطاب خواتین / (۳) اولاد سلاطین / (۴) شروانشاهان / (۵) امرا و نوینان / (۶) وزرا / (۷) اولاد وزرا / (۸) ابناء وزرا / (۹) مقربان پادشاه / (۱۰) اصحاب دیوان بزرگ از ناظر و مشرف و مستوفی و الخ بینکچی و حکم منشی و غیر هم / (۱۱) نقیب النقباء و دیگر سادات / (۱۲) مشایخ / (۱۳) قضاة / (۱۴) اتابکان / (۱۵) امراء گیلانات / (۱۶) امراء اکراد / (۱۷) ملوک ولایات / (۱۸) علماء / (۱۹) حکماء / (۲۰) مدرسان / (۲۱) مفتیان / (۲۲) مفسران / (۲۳) محدثان / (۲۴) وعاظ / (۲۵) خطباء / (۲۶) اطباء / (۲۷) معینان / (۲۸) ایمة مساجد / (۲۹) فقهاء / (۳۰) حفاظ / (۳۱) ارباب فنوت / (فصل ۳۲ خوانده نمی شود) / (۳۳) استادان / (۳۴) محتسبان / (۳۵) منجمان / (۳۶) شعراء / (۳۷) جد و پدر / (۳۸) جده و مادر / (۳۹) عم و خال / (۴۰) برادران بزرگ / (۴۱) برادران کوچک / (۴۲) خواهران بزرگ و کوچک / (۴۳) فرزندان / (۴۴) شوهران / (فصل ۴۵، یک برگ افتاده است؟) / (۴۶) مخنومان / (۴۷) خواجه سرایان پادشاه / (۴۸) متصلقان (۴) و غلامان / (۴۹) دوستان / (۵۰) شکادیان / (۵۱) تجار / (۵۲) ابطال و شجمان / (۵۳) سپهسالاران / (۵۴) کوتوران قلاع / (۵۵) مقدمان طوایف / (۵۶) مهندسان و معماران / (۵۷) صدور و اعیان / (۵۸)

ندما / (۵۹) قلندران / (۶۰) اتراک / (۶۱) اکراد / (۶۲) اعراب / (۶۳) روسا و دهاقین / (۶۴) اهل طلب / (۶۵) فراشان / (۶۶) خربندگان / (۶۷) ساریانان / (۶۸) کاروانسالاران / (۶۹) سوقة و محترفه / (۷۰) مخالفان اسلام.

باب دوم: در مکاتبات مشترکه میان سلاطین و خواتین و امرا و وزرا و خدم و ارکان دولت و ملوک ولایات و سادات و مشایخ و قضاة و غیرهم، مصونات آن و عرضه داشت رعایا به سلاطین و محاضر و شرط نامه و اجوبه آن و تذکره که به امرا و وزرا و غیرهم نویسنند، مشتمل بر بیست فصل: ق ۱ م ۱-۴ (۱) تا (۲۰)

۱- در مکاتبات امرای بزرگ بر وزراء منقطع نازک در فتح مملکتی
۲- در مکاتبات پادشاهان و امرا
۳- در مکاتبات پادشاهان و وزرا
۴- در مکاتبات پادشاهان و ملوک ولایات
۵- در مکاتبات خواتین پادشاه به یکدیگر
۶- در مکاتبات خواتین پادشاه و خدم
۷- در مکاتبات وزرا و خواتین پادشاه (جواب خواتین قطع شده است)

۸- در مکاتبات امرا و وزرا
۹- در مکاتبات وزرا به یکدیگر
۹- در مکاتبات ارکان دولت به یکدیگر
۱۱- در مکاتبات وزرا و اصحاب دیوان
۱۲- در مکاتبات اصحاب دیوان و ملوک ولایات
۱۳- در مکاتبات اصحاب دیوان به یکدیگر
۱۴- در مکاتبات سادات و مشایخ و قضاة به وزرا
۱۵- در مکاتبات وزرا و عمال و حکام ولایات
۱۶- در مکاتبات وزرا و نواب و وکلاء خاصه
۱۷- در عرضه داشت رعایا به حضرت پادشاه و جواب آن
۱۸- در محاضر و جواب
۱۹- در شرط نامه نواب با سلاطین و جواب سلاطین
۲۰- در تذکره و جواب
باب سوم: در احکام یرلیغها در هر باب... (چند کلمه خوانده نمی شوند) مشتمل بر دو ضرب
ضرب اول: در اعمال دیوانی مشتمل بر بیست و هفت فصل:

۱- فتح نامه تونکقال ق ۲ ب ۲ ص ۱ (۱)
۲- وزارت ق ۲ ب ۱ ص ۲ (۱)
۳- امارت اولکا ق ۲ ب ۱ ص ۱ (۲)
۴- نیابت سلطنت ق ۲ ب ۱ ص ۲ (۲)
۵- استیفاء ممالک ق ۲ ب ۱ ص ۳ (۳)
۶- الخ بینکچی و نظارت و اشراف ممالک ق ۲ ب ۱ ص ۲ (۴) (۵) (۶)
۷- انشاء ق ۲ ب ۱ ص ۲ (۸)
۸- امارت یارغو ق ۲ ب ۱ ص ۱ (۴)
۹- شحنگی ق ۲ ب ۱ ص ۵ (۵)
۱۰- حکومت و متصرفی ق ۲ ب ۱ ص ۲ (۱۱)
۱۱- مناصب قلمی ولایات ق ۲ ب ۱ ص ۲ (۲۱)
۱۲- قانون و یاسامیشی ق ۲ ب ۱ ص ۲ (۱۲)
۱۳- تعدیل ق ۲ ب ۱ ص ۲ (۱۲)

- ۱۴- حکومت دارالضرب و معیری ق ۲-ب ۱-ض ۲(۱۹)
- ۱۵- حکومت جزیه (قطع شده است) ق ۲-ب ۱-ض ۳(۱۸)
- ۱۶- تخفیف ایدی ق ۲-ب ۲-ض ۱(۵)
- ۱۷- معافی و مسلمی ق ۲-ب ۲-ض ۱(۶)
- ۱۸- استخراج ق ۲-ب ۱-ض ۲(۱۵)
- ۱۹- امارت عسس ق ۲-ب ۱-ض ۲(۱۷)
- ۲۰- راهداری ق ۲-ب ۱-ض ۲(۲۲)
- ۲۱- مستظهر گردنیدن خایفان ق ۲-ب ۱-ض ۱(۱۲)
- ۲۲- ادرار و مقاصه: در تعیز ادرار و ذکر مقاصه ق ۲-ب ۱-ض ۱(۲)
- ۲۳- در تعیز معیشت و ذکر مقاصه ق ۲-ب ۲-ض ۱(۳)
- ۲۴- در مرسوم ق ۲-ب ۲-ض ۱(۴)
- ۲۵- در ابطال قواعد ذمیه ق ۲-ب ۲-ض ۱(۷)
- ۲۶- رفع فواحش و منکرات ق ۲-ب ۲-ض ۱(۸)
- ۲۷- تدارک مافات ق ۲-ب ۲-ض ۱(۹)
- ضرب دوم: در اعمال دینی مشتمل بر شانزده فصل
- ۱- قضاه ق ۲-ب ۱-ض ۳(۱)
- ۲- نقابت سادات و تولیت دارالسیاد ه. ق. ۲-ب ۱-ض ۳(۲)
- ۳- حکومت اوقاف ممالک ق ۲-ب ۱-ض ۳(۳)
- ۴- امارت محمل و وفد حجاج ق ۲-ب ۱-ض ۳(۴)
- ۵- تدریس: در تفویض تدریس ق ۲-ب ۱-ض ۳(۵)
- ۶- اعادت ق ۲-ب ۱-ض ۳(۸)
- ۷- فقاها: در تفویض فقاها ق ۲-ب ۱-ض ۳(۹)
- ۸- شیخی خانقاه ق ۲-ب ۱-ض ۳(۱۰)
- ۹- اثبات صوفی در خانقاه ق ۲-ب ۱-ض ۳(۱۱)
- ۱۰- ساعور بیمارستان ق ۲-ب ۱-ض ۳(۱۲)
- ۱۱- کتابت دارالقضا ه. ق. ۲-ب ۱-ض ۳(۱۳)
- ۱۲- مورخی ق ۲-ب ۱-ض ۳(۱۵)
- ۱۳- خطابت ق ۲-ب ۱-ض ۳(۶)
- ۱۴- امامت ق ۲-ب ۱-ض ۳(۱۹)
- ۱۵- اذان ق ۲-ب ۱-ض ۳(۲۰)
- ۱۶- احتساب ق ۲-ب ۱-ض ۳(۷)
- باب چهارم: در احکام التمعا (آل تمعا؟) در هر باب مشتمل بر هفت فصل
- ۱- استمالت رعایا ق ۲-ب ۲-ض ۱(۱۱)
- ۲- ریاست: در تفویض ریاست ق ۲-ب ۱-ض ۲(۲۴)
- ۳- احضار شخصی
- ۴- تهدید محرمان و منع ایشان
- ۵- عزل عمال متعدی ق ۲-ب ۲-ض ۱(۱)
- ۶- استرداد حقوق مظلوم از ظالم ق ۲-ب ۲-ض ۲(۲)
- ۷- دفع مفسدان و حرامیان ق ۲-ب ۲-ض ۲(۵)
- باب پنجم: اخوانیات و تهانی و تعازی و استمالت اکابر و عتاب و عمد و غیر آن مشتمل بر بیست فصل:
- ۱- شوق نامه
- ۲- جواب
- ۳- استدعاء حضور پیش از ملاقات
- ۴- جواب

- ۵- تهنیت بزفاف
- ۶- جواب
- ۷- تهنیت ولادت
- ۸- جواب
- ۹- تهنیت قدوم
- ۱۰- جواب
- ۱۱- تعزیت
- ۱۲- جواب
- ۱۳- تعزیت بر طریق تهنیت
- ۱۴- جواب
- ۱۵- استمالت اکابر
- ۱۶- عتاب
- ۱۷- جواب
- ۱۸- عهود و موائق
- ۱۹- جواب
- ۲۰- عذر مقام خواستن

تفاوت بین ترتیب موضوعات دستورالکتاب و الارشاد فی الانشاء چند نکته قابل توجه را نشان می‌دهد:

قسم اول دستور الکتاب که مشتمل بر القاب و ادعیه و مکاتبات سه طبقه و مکاتبات مشترکه طریقات است در الارشاد فی الانشاء بر دو قسم «باب اول در القاب و ادعیه» و «باب دوم در مکاتبات مشترکه» باز تقسیم شده است. در باب اول الارشاد فی الانشاء چند منصبی که در دستور الکتاب القابشان مطرح شده‌اند حذف شده‌اند و اکثر آن از مرتبه دوم‌اند؛ مثلاً «نواب دیوان سلطنت»، «نواب دیوان وزارت»، «امراء اولکا و تومانات»، «وکیل حضرت سلطنت»، «حافظ مال ممالک»، «حاکم اوقاف ممالک»، «حجاب سلاطین»، «رسولان اطراف»، «امیر شکار» و «امیر مجلس». همه مناصب درباری و نظامی و دیوانی‌اند و مناصب دینی کمتر مورد حذف قرار گرفته‌اند. تشکیلات طوایف مرتبه سوم، اشراف الناس و اوساط الناس، در الارشاد فی الانشاء نیز تقریباً یکسان است.

قسم دوم دستورالکتاب که بر چهار دسته مناصب امراء معول، عمال دیوانی، عمال شرعی و «حکام مختلفه» تقسیم شده است، در الارشاد فی الانشاء بر باب سوم و چهارم، «حکام یرلیغ» و «حکام آل تمعا» باز تقسیم شده است. می‌توان گفت که مؤلف مانند التوسل الی الترسل احکام رسمی و دولتی را بر دو نوع تقسیم نموده است. مشخص نیست که فرمان یرلیغ و فرمان آل تمعا با یکدیگر چه تفاوتی دارند ولی این تقسیم‌بندی در بررسی روش فرمان نویسی دولت معول قابل توجه می‌باشد. به علاوه در الارشاد فی الانشاء اکثر نمونه یرلیغ‌ها راجع به تفویض مناصب امراء معول بجز «امارت اولکا»، «امارت یرلیغ» و «شحنگی» حذف شده‌اند. و از قسمت تفویض مناصب دیوانی و احکام مربوط به آن نیز، مثلاً احکام تفویض «دفتر داری ممالک» و «احصاء مواشی و قویجور» حذف شده‌اند.

علاوه بر این، محمد بن هندوشاه در الارشاد فی الانشاء در باب پنجم، «اخوانیات» را که در دستورالکتاب برای آن قسمت خاصی اختصاص نداده بود، اضافه کرده است. اکثر نمونه‌نامه‌ها از مضمونات مرتبه سوم و ضرب دوم مرتبه اول

دستور الکتاب آورده شده‌اند البته با تغییر عبارت نامه‌های سلاطین به عبارت عمومی که در نامه‌های خصوصی عادی به کار می‌رود.

به این ترتیب، چنین به نظر می‌رسد که محمدبن هندوشاه در الارشاد فی الانشاء موضوعات دستورالکتاب را ساده‌تر و معمولی‌تر کرده است، و روش تدوین الارشاد فی الانشاء به روش تدوین مجموعه منشآت سابق مانند التوسل الی الترسل نزدیکتر است. می‌توان گفت که الارشاد فی الانشاء به لحاظ نثر و محتوا حلقه واسط میان دستور الکتاب و مجموعه‌های منشآت دبیری دیگر واقع می‌شود، و این دو را به هم وصل می‌کند. دو مجموعه منشآت محمدبن هندوشاه خجوانی، دستور الکتاب و الارشاد فی الانشاء نشان می‌دهد که وی نیز در نگارش آثارش تحت تاثیر آداب و رسوم سنتی «اهل قلم» قرار گرفته است.

فصل سوم: مجموعه‌های منشآت دبیری در قرن هفتم و هشتم هجری

از قرن ششم هجری به بعد، یعنی از زمانی که اولین مجموعه‌های منشآت دبیری و کتابهای راهنمای آداب کتابت به رشته تحریر در آمدند تا زمان معاصر دستورالکتاب چند اثر راهنمای آداب کتابت و فن انشاء و منشآت‌گونه تالیف شده‌اند.^{۲۵} در این فصل، بعضی از این آثار را معرفی می‌کنیم، و به چگونگی رشد و پیشرفت آداب کتابت در قرن هفتم و هشتم هجری که زمینه تالیف دستور الکتاب را ایجاد کرده نگاه می‌افکنیم:

۱- مصباح الرسائل و مفتاح الفضائل تالیف موفق بن محمدمجددی

مصباح الرسائل و مفتاح الفضائل، دستورنامه‌نگاری و مجموعه منشآت است که شاید در اوایل قرن هفتم هجری، قبل از حمله مغول به ایران نگارش یافته باشد، ولی مشخصاتش دقیقاً معلوم نیست. از سرگذشت و زندگانی موفق بن محمدمجددی، مؤلف این اثر، هیچ اطلاعی نداریم. آقای منزوی درباره مرئی نویسنده که در دیباچه از اسم او یاد شده است، قایم بن منصور مستوفی، چنین اشاره کرده است که در تاریخ یزد جعفری (صفحات ۱۰، ۱۲۲، و ۲۲۸ چاپ دوم) و تذکره جدید یزد (۹۳، ۱۳۸، ۱۵۵) و جامع مفیدی (۳: ۲۵۲، ۶۷۰) از خواجه شهاب‌الدین قایم طرازی مستوفی زنده در سال ۷۸۷ ه. ق. یاد شده است.^{۲۶} اگر این دو شخص یکی باشند می‌توان گفت که این اثر تألیف دوره مظفریان محسوب می‌شود. اما این فرضیه نادرست به نظر می‌رسد، چرا که در یک نمونه قصه در این کتاب از تاریخ سال ۶۰۶ یاد شده است [مصباح: ۷۶ ر.] و چند بار به ناحیه «خوارزم» اشاره شده است، بنابراین می‌توان حدس زد که این اثر به اواخر دوره خوارزمشاهان تعلق داشته باشد. علاوه بر این، از اینکه در فصل اول باب اول که مربوط به شیوه نوشتن «صدرنامه» و القاب است، نمونه لقب «قاضی عسکر» آورده شده است که در نظام اداری دولت سلجوقیان روم وجود داشت [۹ پ]، و کاتب نسخه آن اهل قونیه است، می‌شود فرض کرد که این اثر در دوره خوارزمشاهیان در روم تحت فرمانروایی خاندان سلجوقی تالیف شده باشد. با این وجود، این اثر به بررسی و



فصل ۵ در محاضر و عهدنامه و مفاخرت
۲- تحفه جلالیه یا جلالیه در علم مکاتبه اثر محمدبن

علی ناموس خواری

تحفه جلالیه، رساله‌ای قابل توجه در فن انشاء است که در اواخر دوره ایلخانان، پیش از دستور الکاتب، تالیف شده است. در فهرست آقای منزوی، به تالیف دیگر همین نگارنده، از اثر دیگری راجع به فن انشاء نام برده شده است به نام جلالیه در علم مکاتبه، ولی در حقیقت این دو اثر یکی هستند. ویژگی این رساله این است که نه فقط نمونه‌های مختلف انشاء، بلکه مانند دستور دبیری رسائلی نظری راجع به فنون مکاتبه را نیز شامل است، یعنی دارای دو قسم، «مباحث علمی» و «رسایل عملی» است.

از این اثر سه نسخه موجود است. نسخه متعلق به کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران (نسخه‌های خطی حکمت، شماره ۲/ ۱۹۴)، نسخه متعلق به کتابخانه پارس (شماره P. ۲۱۸، میکرو فیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است به شماره ۱۳۳۰)، و نسخه متعلق به کتابخانه توپینگن (شماره Or. Oct ۳۵۱۲، فیلم شماره ۱۱۹۱ در کتابخانه مرکزی. پس از این با علامت «ت» اشاره می‌کنیم).

درباره زندگی و سرگذشت نویسنده این اثر، محمدبن علی ناموس خواری، اطلاعاتی در دست نیست.^۲

از نسبت او، «خوار» به یکی از جاهای زیر به عنوان زادگاهش می‌توان اشاره کرد: اول خوار در دیار قومس و طبرستان است که شهر کوچکی بوده و رودی که از طرف فیروزکوه می‌آمده به آنجا می‌رسیده است.^۳ دوم خوار منطقه ری که در میان جلگه از ورامین تا رباط مهمان‌دوست واقع بوده، از این نکته می‌توان چنین حدس زد که وی اهل عراق عجم بوده است، چنانکه بسیاری از دیوانسالاران دولت ایلخانی از این منطقه بودند، یا از قومس که در وسط جاده بزرگ بین خراسان و عراقین واقع بوده است.

* محمد خواری تحفه جلالیه را بنام «جلال الحق و الدین وجیه الاسلام و المسلمین ابو یزید زنگی بن طاهر الفریومدی» [ت: ۵ پ] ساخته است. اسم این شخص در خاتمه کتاب به صورت «خواجه جلال الدین ابو یزید ابن الصاحب الشهید وجیه الحق و الدین زنگی ابن الصاحب السعید خواجه عزلحق و الدین طاهر الفریومدی» تکرار شده است [ت: ۱۰۷ پ]. جای تردید نیست که این جلال الدین زنگی فریومدی پسر وجیه‌الدین زنگی فریومدی است که پدرش عزالدین طاهر فریومدی در اوایل دوره مغول، پیش از آمدن هلاکوخان به ایران، نایب مطلق امیر ارغون حاکم ایران بود.^۳ و خودش در اوایل عهد اباق‌خان به جای پدرش به منصب وزارت خراسان تعیین شد و در عهد ارغون خان به دستور ایلخان کشته شد.^۳ یعنی وی یکی از افراد خاندان فریومدی است که از آغاز حکومت مغول در ایران در دیوان مغول زیر نظر امیر ارغون خدمت می‌کردند، و در دوره ایلخانیان امور دیوان خراسان به آنان تعلق داشت. درباره زندگانی و مقام سیاسی جلال‌الدین زنگی بجز تحفه جلالیه در هیچ منبع دیگر اطلاعاتی در دست نیست، در حالی که اطلاعات راجع به احوال افراد دیگر این خاندان در منابع مختلف این زمان نسبتاً

التوسل الی التوسل مجموعه منشآت بهاء‌الدین محمدبن مؤید بغدادی، منشی علاء‌الدین تکش خوارزمشاه (۵۶۸-۵۹۶ هـ. ق) است.

محمدبن هندوشاه به تقسیم مراتب و طوایف
بیشتر اهمیت داده است تا تقسیم‌بندی انواع نامه‌ها.
این ویژگی و تقسیم‌بندی‌های دستورالکاتب
نسبت به مجموعه‌های منشآت دیگر
غیر معمول به نظر می‌رسد.

استحیا/ مرتبه اقارب چون پدر و هر که بجای پدر باشد /
مرتبه اعیان و معتبران را / نوع دیگر در مراتب مجلس اعلی،
مجلس عالی، مجلس رفیع، مجلس شریف / مرتبه زنان /
اطفال دودمان سلطنت / وزراء حضرت / پهلوان لشکر / اکثا /
پیش نماز / اوساط علماء و جوان / حجاب / رسولان / اطباء /
شعراء.....

فصل ۲ در ادب دبیر و عنوانات بر حسب منازل ایشان
(بیان در انواع نامه‌ها)
خطاب و مفاوضه / ملاطفه / مثال / منشور / قصه /
مواصفه / تذکره / رقعہ / عهدنامه / مفاخرت
فصل ۳ در دعوات بر حسب مدارج همگان
فصل ۴ در محاسن کتابت چون ترصیع و استعارات و
تجنیس و امثال آن

فصل ۵ در مقاطع مکاتبات و تعریف توابع آن
باب دوم در نوشت‌ها به معانی پراکنده چون اخوانیات و
قصه‌ها و مناشیر و امثله دیوانی و شرعی و محاضر و عهدنامه
و مفاخرت

فصل ۱ در اخوانیات در نامه‌های مختلف و جواب آن
... / شوق / شکر / عنایت / شفاعت / تهنیت / مشورت
/ عتاب / تعزیت

فصل ۲ در رقعها به معانی مختلف و جواب آن
... / استعدا / اعتناد / عیادت / استعانت / عاریت خواستن
/ عنایت / شکایت / شکر / استغفار / استعطف
فصل ۳ در قصه‌ها و مناشیر و امثله دیوانی
فصل ۴ در امثله شرعی از دواوین صدور

نقد بیشتر محتاج است. به هر حال، از اینکه تاریخ کتابت
تنها نسخه موجود آن روز اول جمادی‌الاول سال ۷۴۲ هـ. ق.
است، مشخص می‌شود که این اثر در زمان دستورالکاتب
مورد استفاده قرار گرفته است.

تنها نسخه موجود مصباح الرسائل در کتابخانه مجلس
شورای اسلامی است (شماره ۳۲۸) که تاریخ کتابت آن، اول
جمادی‌الاول سال ۷۴۲، و نام کاتب آن
سلیمان بن یوسف بن سنان بن یاقوب انقره‌ای مولوی سلیمانی
است.

فهرست مطالب مصباح الرسائل:

باب اول در معرفت شرایط این صفت چون صدر نامه‌ها و
عنوانات و مانند آن

فصل ۱ در صدرنامه‌ها و القاب بر حسب مراتب مردمان
سلطان / مرتبه خاقان / مرتبه امراء / نواب / مرتبه
اصحاب دیوان جمله / مرتبه صاحب دیوان / مرتبه دیوان
اشراف / مرتبه دیوان عرض / مرتبه نواب ایشان / مرتبه
صدور اسلام و ایمة دین دیوان ریاست / مرتبه خطاب را /
مرتبه قضا / مرتبه قاضی عسکر / مرتبه محتسب / مرتبه
علماء و مفتیان بزرگ / مرتبه پیر طریقت / مرتبه اوساط
روساء و نواب دیوان ریاست / مرتبه دیوان خطابت / مرتبه
نواب قضا / مرتبه علماء و اصحاب قلم / مرتبه اوصاف
دوستان / مرتبه حکیم‌علی‌الخصوص / مرتبه منجمان / مرتبه
سادات / مرتبه زهاد / مرتبه عمال و روساء / مرتبه نواب این
طایفه / مرتبه روساء / مرتبه بजार و اهل سوق / مرتبه

فراوان است^{۳۴}. اما پدیدهی است که وی برادر علاءالدین هندو پسر وجیه‌الدین زنگی است که در دیوان بزرگ دوره اولجایتو خدمت می‌کرده و در اوایل دوره ابوسعید بهادرخان فقط چند ماه شریک وزارت امیر غیاث‌الدین رشیدی شد، و از این رو می‌توان فرض کرد که جلال‌الدین نیز در دوران اولجایتو و ابوسعید در دیوان خراسان یا دیوان مرکزی دولت ایلخانی به امور دیوانی می‌پرداخته است. به هر حال، این فرضیه امکان‌پذیر است که محمد خواری زیر سایه خاندان فریومدی بود که در تمام دوره مغول بر دیوان خراسان مسلط بودند و گاهی اوقات به مناصب دیوان بزرگ ایلخانی نیز می‌رسیدند. او در تحفه جلالیه، نمونه‌های فرمان دیوان استیفاء ممالک در سال ۷۰۸ هـ. ق. در عهد سلطان اولجایتو را آورده است. از این رو تصور می‌رود که خود او نیز صاحب منصبی در دیوان استیفاء ممالک در سلطنت اولجایتو بوده باشد.

محمد خواری، بجز تحفه جلالیه، مجموعه منشآت دیگری دارد بنام حدائق الوثائق. این رساله شامل دو قسم است: «کیفیت ترکیب قبالات» در ده رکن، و «معرفت حالات و صورت دقایق» در سه صنف. مضمون این کتاب بیشتر نمونه‌هایی است برای اجرای احکام شرعی (شافعی) و خطبه‌های معلوم آن زمان^{۳۵}. از این اثر فقط یک نسخه موجود است که همراه نسخه تحفه جلالیه است (نسخه ت).

فهرست مطالب تحفه جلالیه

دیباچه مؤلف

القسم الاول فی المباحث العلمیه، وفیه اربعه ابواب

الباب الاول فی بیان ناهیت علم المکاتبه

الباب الثانی فی بیان موضوعی الترسل و الاستیفاء

الباب الثالث فی بیان شرف علم الترسل و تفصیله علی

علم الاستیفاء

الباب الرابع فی تقسیم مجموع الترسل علی ترتیب

العلل الاربع

الفصل الاول فی العله الفاعلیه

الرکن الاول فی الکتب و مقامه و بیان شرفه و ذکر

بعض الکتب و الاشاره الی مراتبهم و تدابیرهم

الرکن الثانی فی الاته و آدبه فی آلت ممالها

الرکن الثالث فی زمان الکتابه

الرکن الرابع فی مکانه

الرکن الخامس فی المثل

الرکن السادس فی المرشد

فصل لطایف و اشعاری چند معنود در وصف آلات و

ادوات کتاب

الفصل الثانی فی العله المادیه و هو الکلام

الفصل الثالث فی العله الصوریه

الفصل الرابع فی العله النایه

القسم الثانی فی الرسائل، و فیه ثلثه ابواب؛

باب اول در اخوانیات (۳۳ رساله به این باب تعلق دارند)

۱- رساله فی افتتاح المکاتب - الجواب

۲- رساله فی استبطاء المکاتبه - الجواب

۳- رساله آخری فی هذا المعنی - الجواب

۴- رساله هم درین معنی

۵- رساله فی... (خوانده نمی‌شود) - الجواب

۶- رساله آخری فی هذا المعنی و فی الشفاعة - الجواب

۷- رساله فی طلب المرجعه - الجواب

۸- رساله الی بعض الاخوان فی تعریف حال بعض اکابر

السادات - الجواب

۹- رساله بیکی از خویشان نویسد در جواب مکتوب او

۱۰- رساله الی بعض اکابر الافاضل

۱۱- رساله آخری الی بعض الاخوان

۱۲- رساله الی بعض الافاضل

۱۳- رساله آخری الی بعض الافاضل

۱۴- رساله بیکی از اکابر نویسد کی از خواب دیدن و

کیفیت آن سوال فرموده بود

۱۵- رساله الی بعض افاضل الاخوان

۱۶- رساله الی بعض اکابر الافاضل فی جواب کتابه

۱۷- رساله آخری الی بعض الافاضل

۱۸- رساله آخری فی افتتاح المکاتبه - الجواب

۱۹- رساله عن العتاب علی ترک الخطاب - الجواب

۲۰- رساله بر عقب مسافری نویسد - الجواب

۲۱- رساله آخری فی هذا المعنی - الجواب

۲۲- رساله فی تهنیه بالقوم - الجواب

۲۳- رساله فی تهنیه بالمولود - الجواب

۲۴- رساله آخری فی هذا المعنی - الجواب

۲۵- رساله آخری الی بعض الاخوان

۲۶- رساله فی العیاده - الجواب

۲۷- رساله فی التغزیه - الجواب

۲۸- رساله الی بعض اکابر العلماء فی... وفات اخیه

۲۹- رساله بیکی از اکابر حکماء نوشته شد از مدینه

السلام

۳۰- رساله بیکی از اکابر (یک کلمه ناخوانا) نوشته شد

۳۱- رساله الی واحد من الاطباء

۳۲- رساله الی بعض الادباء و مدعی شیا من النجوم

۳۳- رساله الی بعض اکابر فی خلاصه من الحسب

فصل [ت: ۷۳ پ.]

باب ثانی فی امثله (۹ مثال)

۱- مثال عنایت در حق سادات (۳ نمونه)

۲- مثال قضاء (۳ نمونه)

۳- مثال در حق مشایخ (۳ نمونه)

۴- مثال خطاب (۳ نمونه)

۵- مثال درباره اطباء جهت دار الشفاء (۲ نمونه)

۶- مثال تدریس (۱ نمونه)

۷- مثال فی احتساب (۱ نمونه)

۸- مثال معرف در درجه تباین و تفاضل میان اصناف

نوع انسان

۹- مثال فتح (فتح نامه، ۱ نمونه)

فصل ۶ در ابتداء سنه ثمان و سبعمائه که مصالح و

مهمات دیوان استیفاء ممالک بحکم بریلغ جهانگشای سلطان

اسلام... اولجایتو خدا بنده محمد...

۱- مثال ادرار مجاوران مشهد مقدس امیرالمؤمنین

علی بن ابی طالب علیه السلام

۲- مثال ادرار خواجه سعدالدین رحمه الله

۳- مثال ادرار خواجه معظم جلال‌الدین محمود شاه

۴- مثال ادرار صاحب معظم خواجه ضیاءالدین ضیاء

الملک

۵- مثال درباره مولانا الاعظم اقصی القضاة نظام‌الملک

والدین عبدالملک

۶- مثال ادرار شیخ نظام‌الدین اسحق الاصفهانی

۷- مثال سعید لطیف‌الدین الحسین

۸- مثال ادرار ملک الساده مفخر الحکما برهان‌الدین

عبدالله

۹- مثال اوقاف مسجد جامع خواجه سعدالدین بجانب

غربی مدینه السلام

۱۰- مثال درباره مولانا ملک الافاضل جمال‌الدین حسین

رجا اصفهانی

باب ثالث در صدر تامها (درباره خطاب و القاب)

(نمونه نامه‌هایی که به اصحاب مناصب نوشته بود

ثبت شده‌اند «تاکفیت ایراد حکایت درین باب نیز معلوم

گردد»)

۱- اول به یکی از اکابر وزراء نوشته شد از زلفان بردگی

۲- رساله و فیه شکایه من بعض الحساد

۳- رساله آخری

۴- رساله آخری

۵- رساله آخری

۶- رساله و فیه شکایه الرهان (؟) الی بعض المشایخ

بخراسان من لسان بعض اکابر

فصل در خطاب و القاب

مرتبه سلاطین: اعلی - وسط / مرتبه وزراء و مشایخ:

نوشته شده است / مرتبه نواب: اعلی - وسط / مرتبه امراء:

اعلی - وسط / مرتبه قضاة: اعلی - وسط / مرتبه سادات: اعلی

- وسط / مرتبه مفتی: اعلی - وسط / مرتبه مدرس: اعلی -

وسط / مرتبه خطباء و واعظ: اعلی - وسط / مرتبه اطباء:

اعلی - وسط / مرتبه منجم: اعلی - وسط / مرتبه شعراء: اعلی

- وسط / مرتبه ندماء: اعلی - وسط / مرتبه تجار / مرتبه روساء /

مرتبه صناع

فصل خانمه

اهمیت این اثر که در بررسی دستور الکتب نباید نادیده

گرفت در فصل بعدی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۳- نفائس الفنون فی عرائس العنون، - نگارش -

شمس‌الدین محمد بن محمود آملی

نفائس الفنون فی عرائس العنون، تالیف شمس‌الدین

آملی، دائرة المعارف جامع و مفصلی است در علوم که بخشی

از آن به عنوان منبعی که وضع آداب کتابت و فن انشا در

قرن هشتم هجری را نشان می‌دهد سودمند است که این اثر

نیز می‌تواند جزء تألیفات فن انشاء محسوب بشود.

شمس‌الدین محمد بن محمود آملی (متوفی سال ۷۵۳ به

بعد)، عالمی شیعی در خدمت سلطان اولجایتو و وزیر رشیدالدین

فضل الله بود. وی همچنین در عهد اولجایتو و ابوسعید

مدرسی مدرسه سلطانیه را برعهده داشت. بعد از مرگ ابوسعید

و اختلال امور آذربایجان از محل سکونتش بیرون رفته و

مدتی در مسافرت گذراند تا اینکه به شیراز تحت حکومت

شیخ اسحاق اینجو رسید و همانجا متوطن شد و به تدریس

و تالیف پرداخت. نفائس الفنون، تالیف بزرگ او، به نام شیخ



۱- تشکیلات مطالب «مقدمه» دستورالکتاب

در فصل فوق، مجموعه‌های منشآت و رسایل در آداب کتابت در قرن هفتم و هشتم هجری را معرفی کردیم که تا زمان دستورالکتاب به رشته تحریر در آمده‌اند. در این فصل، بحث نظری راجع به فن‌انشاء که محمدبن هندوشاه در دستورالکتاب مطرح کرده است را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

در مقدمه دستورالکتاب تحت عنوان «در بیان کیفیت این کتاب و شرط شروع متامل در آن و ذکر موضوع علم انشاء و ذکر منشیان و چند حکایت که مناسب آنست با لوازم و لواحق آن» عقاید مؤلف در فن‌انشاء مورد بحث قرار گرفته است. موضوعات این مقدمه، چگونگی جریان فکری مربوط به فن‌انشاء در دوره مغول را نشان می‌دهد.

مقدمه دستورالکتاب مشتمل بر مطالب زیر است:
(بیان مراتب قسم اول) [دستورالکتاب، ج ۱-۱، صص

۵۵-۵۸]

(آدابی که منشی موقع کتابت باید به آن توجه داشته باشد) [صص ۶۲-۵۷]

«چند فایده که مولانا ملک‌الفاضل حکیم‌الدین ناموس جزاه الله خیراً در موضوع علم انشاء و فضیلت آن با لوازم و لواحق که بدان تعلق دارد در رساله خود آورده»

فصل اول در موضوع علم انشاء [صص ۶۴-۶۳]

فصل دوم در فضیلت کتاب و مقام و شرف او

فصل سوم در آداب کتاب و آلات ایشان

فصل چهارم در ذکر زمان کتابت

فصل پنجم در موضوع کتابت

فصل ششم در صفت آلات و ادوات کتابت نظماً و نثراً

«فوایدی که حکیم فاضل ابوالحسن احمد بن عمر بن

علی النظامی العروسی السمرقندی رحمه‌الله تعالی در کتاب

مجمع‌النوادر آورده است و چند حکایت در مجمع‌النوادر

مطابق وقت و حال ملوک و سلاطین هر عصر ایراد کرده

است» [صص ۱۲۱-۹۸]

چنانکه در فصل دوم گفته شد، در آغاز مقدمه، مؤلف

درباره ترتیب موضوعات قسم اول توضیح داده است. بعد از

آن، چندین نکته در آداب کتابت را مطرح کرده است که

موضوع آن صرفاً فنی و حرفه‌ای است. بعد از آن، شش

فصلی گذاشته است که به گفته مؤلف «مولانا ملک‌الفاضل

حکیم‌الدین ناموس در موضوع علم انشاء و فضیلت آن با

لوازم و لواحق که بدان تعلق دارد در رساله خود آورده». این

«مولانا ملک‌الفاضل حکیم‌الدین ناموس» محمدبن علی

ناموس خواری، نگارنده مجموعه منشآت مذکور، تحفه جلالیه

در علم مکاتبه است، و «رساله خود» همان تحفه جلالیه

است. شاید لازم به ذکر نباشد که فواید و حکایات که «حکیم

فاضل ابوالحسن احمد بن عمر بن علی النظامی العروسی

السمرقندی در کتاب مجمع‌النوادر آورده است» یعنی مقاله

در دبیری در چهارم مقاله است. محمد بن هندوشاه کل مقاله

اول این کتاب را که مشتمل بر مقدمه و ده حکایت است با

مقداری حذف و اضافه و تغییر عبارات نقل کرده است.^{۳۶}

به این ترتیب، موضوعات مقدمه دستورالکتاب در واقع

نوآوری محمدبن هندوشاه نیستند، بلکه از آثار نویسندگان

الارشاد فی الانشاء اثر هندوشاه نخجوانی به عنوان گزیده و خلاصه اثر دیگر او، دستورالکتاب فی تعیین المراتب تالیف شده است.

مصباح الرسائل و مفتاح الفضائل،

اثر موفق بن محمد مجدی، دستور نامه نگاری و
مجموعه منشآت است که شاید در اوایل قرن هفتم هجری،
قبل از حمله مغول به ایران نگارش یافته باشد،
ولی مشخصاتش دقیقاً معلوم نیست.

اشتیاق نامه

فصل دوم: در اجوبه در جواب امراء و وزراء و ملوک

نویسند

فصل سوم: در تعازی و تهانی و بقیه احکام سرنامها

در تعزیه / تهنیت ولادت / تهنیت براء از مرض / تهنیت

نوروز / استعدای حضور / مکتوب به پدر و مادر

فصل چهارم: در تفویض مناصب و احکام و تعیین ادرار

منشور قضا / منشور متصرفی و حکومت

خاتمه: در صور مکتوباتی چند

صورت مکتوباتی که رسول (ص) فرمود به ملوک

اقالیم نوشتند

صورت مکتوب قیصر

صورت جواب نامه نجاشی که حضرت رسول (ص) فرمود

صورت نامه که به پرویز فرمودند.

گویند جالینوس چون فرزند خود قولوس را به خدمت

عیسی علی نبینا... میفرستاد به خدمت عیسی نوشت...
چون قولوس به حضرت عیسی رسید او را گرامیداشت

و از جمله حواریین گردانید و در جواب جالینوس نوشت...
صورت مکتوبی که خواجه نصیرالدین طوسی طاب‌مناواه

از زبان هلاکوخان به ملک حلب نوشت

اشتیاق نامه بوالفضل المیکائیلی

کتاب ابوبکر الخوارزمی الی الفضل بدیع الهمدانی

فصل چهارم: تحفه جلالیه و دستورالکتاب؛ رشد فن انشاء

در قرن هشتم هجری

ابواسحاق اینجو ساخته شده است.^{۳۶}

در این کتاب، مؤلف علوم را بر دو قسم، «علوم اواخر»

(علوم بعد از اسلام؛ ادبیات، شرعیات، علوم تصوف و علوم

مجاوری) و «علوم اوایل» (علوم پیش از اسلام؛ حکمت

عملی، اصول حکمت نظری، اصول ریاضی، فروع طبیعی، و

فروع ریاضی) تقسیم کرده است. از مقالات راجع به علوم

اواخر، مقاله اول درباره ادبیات است که پانزده فن به آن تعلق

دارند، و از این پانزده فن چهاردهمشم علوم انشاء است.^{۳۷} این

نوشته شامل مقدمه در آداب کتابت که مشتمل برسی شرط،

فصل اول مشتمل بر نمونه‌های «سرنامه» برای طبقات و

طوائف مختلف و یک نمونه اشتیاق نامه، فصل دوم در

نمونه‌های جواب، فصل سوم در اخوانیات به معنی مختلفه

فصل چهارم در مناشیر و احکام، و خاتمه که شامل چندین

متن نوشته بزرگان است.

فهرست مطالب فن چهاردهم در رساله اول قسم اول

نفاثات الفنون:

مقدمه در بیان اموری که رعایت آن از لوازم است: ۳۰

شرط:

فصل اول: سرنامها به القاب و ادعیه و شرح اشتیاق در

جائیکه لایق بود

به سلاطین / به امراء بزرگ - اگر فروتر باشد / به صاحب

دیوان بزرگ - اگر فروتر باشد / به ملوک دیار / به قضات

بزرگ / به نقیاء بزرگ - اگر فروتر باشد / به دانشمندان بزرگ - اگر

فروتر باشد / به مشایخ کبار / به طبیبان / به منجمان / به

خوانین - اگر فروتر باشد

مختلف نقل شده‌اند. قابل توجه است که شش فصل اصلی که اکثر این مقدمه به آن تعلق دارد، از تحفه جلالیه، که بیست یا سی سال پیش از دستور الکاتب تالیف شده اقتباس شده است. در این قسمت قسم اول تحفه جلالیه، «المباحث العلمیه» را که محمدین هندوشاه از آن استفاده کرده است مورد مطالعه قرار می‌دهیم، و به چگونگی نظریات در فن‌انشاء در قرن هشتم نگاهی می‌کنیم.

مطالب «المباحث العلمیه» و روابط آن با مقدمه دستور الکاتب چنین است (= فصلهای مقدمه دستور الکاتب):

باب اول: فی بیان ماهیت علم الکاتبه
باب ثانی: فی بیان موضوعی الترسل و الاستیفاء
باب ثالث: فی بیان شرف علم الترسل و تفصیله علی علم الاستیفاء= فصل اول

باب اربع: فی تقسیم مجموع الترسل علی ترتیب‌العلل الاربع

فصل اول: فی العله الفاعلیه

رکن اول: فی الکاتب و مقامه و بیان شرفه و ذکر بعض الکتاب و الاشاده الی مراتبهم و تدابیر هم = فصل دوم

رکن ثانی: فی الاته و آدابه فی‌الت ممالها= فصل سوم
رکن ثالث: فی زمان الکتابه = فصل چهارم

رکن رابع: فی مکانه = فصل پنجم
رکن خامس

رکن سادس: مرشد
فصل لطایف و اشعاری چند معدود در وصف آلات و ادوات کتاب = فصل ششم

قسم اول تحفه جلالیه مشتمل بر چهار باب است: باب اول در «ماهیت علم الکاتبه» یعنی تعریف فن‌انشاء، باب دوم «موضوع الترسل و الاستیفاء» یعنی تعریف موضوع فن‌انشاء و تفاوت آن با موضوع فن‌انشاء، باب سوم «شرف علم الترسل و تفصیله علی علم الاستیفاء» یعنی اثبات برتری فن‌انشاء بر فن‌استیفاء، و باب چهارم «تقسیم مجموع الترسل علی ترتیب‌العلل الاربع» یعنی بیان مفصل در فن‌انشاء که به حسب علت چهارگانه تقسیم شده است. از این همه سه باب اول از قسم اول، در فصل اول مقدمه دستور الکاتب فشرده شده‌اند، و از باب چهارم چهار رکن در فصل اول «فی العله الفاعلیه» که بر شش رکن مشتمل است چهار فصل از دوم تا پنجم مقدمه دستور الکاتب را تشکیل داده‌اند.

و فصلی که در آخر فصل اول اضافه شده است موافق با فصل ششم مقدمه دستور الکاتب می‌باشد.

به این ترتیب، منظور فصل اول مقدمه دستور الکاتب، بدون وقوف از مطالب سه باب تحفه جلالیه بخوبی فهمیده نمی‌شود. همچنین برای درک موضوعات فصول از دوم تا پنجم مقدمه نیز مفهوم کل مطالب باب چهارم تحفه جلالیه واجب است. اول این دو نکته را معلوم کنیم و سپس نظریه محمدناموس خوارى در فن‌انشاء را مورد بحث قرار بدهیم.

۲- تعریفات فن‌انشاء در تحفه جلالیه

در باب اول، محمد ناموس خوارى ماهیت علم انشاء (علم کتابت) را چنین تعریف می‌کند:

«معنی کتابت صورت کردن لفظ باشد از حروف مفرده او، و چنانکه زید را مثلا از «ز» و «ی» و «د» صورتی پیدا کنی

و ترکیبی‌سازی، پس آن تصویر را کتاب گویند.... نگاه باید کرد تا علت غائی آن تصویر کدام اوست، اگر اخبار غائی باشد بدانچه در ضمیر کاتب است، آنرا علم ترسل گوید، و لفظ رسول و مرسل الیه و رساله برین معنی دلیل است، و اگر علت غائی از آن تصویر محافظت مال باشد و قانون شریعت نبوی آنرا علم شروط گویند، و اگر محافظت مال باشد بر قانون و مصلح اصحاب دیوان، آنرا علم استیفاء گویند، و علم کتابت که آنرا انشاء النثر گویند یک نوعست از دوازده نوع علم ادب و در تحت این نوع چند صنف مندرج است چون انشاء و صنعت مساحت و جبابیت اموال و سیاحت حساب و عرض و صکوک و سجلات کاتب را لازم نباشد که جامع این اصناف باشد، بلکه اگر منشی استیفاء نداند یا مستوفی از انشاء خبر ندارد هر دو را کاتب گویند چون در یک نوع مشارک‌اند.» ت: ۶- ر پ

تعریف فن‌انشاء (ترسل) که مؤلف نوشته است، در نفائس الفنون نیز دیده می‌شود؛ شمس‌الدین املی در آغاز نوشته خود گفته است: «آن (= فن‌انشاء) عبارتست از معرفت اخبار غایب بدانچه در ضمیر باشد بطریق تحریر به عبارتی پسندیده و مراعات امور معهوده میان کتاب»^۳.

چنانکه در فصل اول گفته شد، در دستور دبیری نیز فن‌انشاء و فن‌استیفاء به یکدیگر نسبت داده شده‌اند. محمدناموس روابط فن‌انشاء و استیفاء را به طور نظری بیان کرده، و در باب دوم تفاوت فن‌انشاء و استیفاء را از نظر تفاوت موضوع آن شرح می‌دهد:

«موضوع علم ترسل کلام باشد از آن وجه که مخیر باشد از معنی که بذات کاتب قایم است و آن کلام خواهی عربی‌باش و خواهی غیر آن بدان دلیل کی بحث منشی از عوارض چنین کلامست از بلاغت و فصاحت و اطناب و ایجاز و سلاست و جزالت و رکاکت و ندانت و سجع و ترصیع و تجنیس و استعارت کی عوارض قریبه‌اند... و موضوع علم استیفاء مال باشد از بهر آنک بحث مستوفی در آن علم بر عوارض و صفاتی است که بر مال طاری می‌شود از جمع و خرج و تسعیر و تبدیل و تمینی و تصریف و فاضل و باقی و غیر ذلک» [ت: ۶- ر پ]

به نظر او، موضوع فن‌انشاء «کلام» است و موضوع فن‌استیفاء «مال»، و این تفاوت، موضوع فن‌انشاء و فن‌استیفاء را از یکدیگر جدا می‌سازد. یا در نظر گرفتن این تفاوت، درباب سوم، برتری فن‌انشاء بر فن‌استیفاء را اثبات می‌کند:

«علم کلام مثلا گفته‌اند که اشرف علومست بدان سبب یکی از موضوعات او ذات واجب الوجود... است... بحکم این مقدمات معلوم گردد که انشاء از شرف موضوع خود یعنی کدام مرتبه است و استیفاء بسبب موضوع او یعنی مال بچه درجه، و بروج عاقل شرف کلام بر مال پوشیده نباشد.» [ت: ۷- ر پ]

چون موضوع فن‌انشاء «کلام» است، و «علم کلام» اشرف علوم است یعنی موضوع آن به ذات خدا مربوط است، می‌توان گفت که فن‌انشاء بر فن‌استیفاء که موضوع آن مال است برتر است. آنچه که از این بحث در سه باب معلوم می‌شود این است که در بیان تعریف فن‌انشاء و موضوع آن، علاوه بر روابط فن‌انشاء با استیفاء که از دوران سابق معلوم

شده بود، تفوق فن‌انشاء بر فن‌استیفاء مورد تاکید قرار گرفته است. آنچه که قابل توجه است این که مؤلف سعی نموده این نظریه را به طور منطقی اثبات کند. چنین روش اثباتی در باب چهارم مشخص‌تر دیده می‌شود.

باب چهارم، «تقسیم مجموع الترسل علی ترتیب‌العلل الاربع» مهمترین باب قسم اول است که درباره موضوعات فن‌انشاء مفصل توضیح داده است. در این باب، محمدناموس خوارى در ترتیب دادن موضوعات مورد بحث روش بدیعی را به کار برده است، در آغاز این باب وی چنین گفته است:

«هر چیزی در وجود خود به چهار چیز محتاجست که آنرا علل اربعه گویند، مثلا چنانکه تا تحت موجود شود محتاج نجارست و آنرا علت فاعلی گویند، و محتاج چوبست و آنرا علت مادی گویند و قایلی نیز گویند، و محتاج صورتی است و آنرا علت صوری گویند، محتاج فایده ساختن تختست که تصور آن فایده فاعل را بر ساختن تخت تحریر کند و آن جلوس است بر تخت و آنرا علت غائی گویند... تا نامه نوشته شود بدین چهار علت حاجت افتد، اول علت فاعلی که کاتب است، دوم علت مادی که کلام است، سیوم علت صوری که کیفیت ترکیب و ترتیب نامه باشد، چهارم علت غایی که فایده نوشتن نامه است و آن اخبار غایتی است بدانچه در ضمیر کاتب باشد، و ما این چهار علت را با لوازم و شرایط و آنچه از توابع و لواحق آن باشد فصل یاد کنیم آن‌شاء الله العزیز و بر نظر خردبینان عالم علم پوشیده نماند که پیش ازین هیچ کس این فن را بدین نوع ضبطی و حصری نکرده است» [ت: ۸- پ ر]

می‌بینیم که مؤلف مطالب مورد بحث خود را طبق تقسیم علت اربعه، یعنی طبق روش فلسفی ترتیب داده است. در فلسفه، علت بر چهار قسم تقسیم می‌شود؛ علت فاعلی که صانع و سازنده هر چیز است، علت مادی که ماده‌ای است که صنعت صانع بر آن تعلق می‌گیرد، علت صوری که شکل و صورتی است که صانع چیزی را بدان ترکیب می‌سازد، و علت غائی که غرض و مقصود صانع از صنعت خود است. مثال ساختن تخت که مؤلف اینجا آورده است، بقول مرحوم دهخدا، در اساس الاقتباس آورده شده است.^۴

طبق این روش تقسیم کل موضوعات فن‌انشاء بر چهار قسمت تقسیم شده‌اند.

در فصل اول «العله الفاعلیه»، موضوعات مربوط به فاعل کتابت، یعنی کاتبه مورد بحث قرار گرفته‌اند. در آغاز این فصل چنین می‌گوید:

«هر فاعلی از ممکنات در فعل خود به پنج چیز محتاجست. اول آلت، دوم زمان که آن فعل در واقع شود، سیوم مکان، چهارم مثالی که تتبع آن کند، پنجم رشدی که او را ارشاد کند. پس بنابراین معانی ما این فعل در شش رکن ایراد کنیم.» [ت: ۸- پ]

از این رو، موضوعات این فصل به صورت شش رکن ترتیب داده شده است؛ «کاتب»، «آلات»، «زمان»، «مکان»، «مثال» و «مرشد».

موضوع فصل دوم «العله المادیه» ماده کتابت، یعنی کلام است. «کلامی که در ترسل استعمال کنند باید که



محمد بن هندوشاه نخجوانی، درباره عهدنامه به قلم علی بن ابی طالب (ع) که محمد ناموس آورده است، در «مقدمه» خود بیشتر توضیح داده است.

«شیخ بزرگوار ابوعلی فارمدی قدس الله روحه العزیز در بعضی از تصانیف خود نسخه عهدنامه که به اشارت مبارک رسول صلی الله علیه وسلم امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه جهت اقارب و انساب سلمان فارسی رضی الله عنه نوشته است و بفارس فرستاده ذکر کرده است... و این ضعیف کی مصنف این کتابست نسخه آن عهدنامه را مطالعه کرده است، و همچنین عهدنامه کی به اشارت شریف مصطفی صلی الله علیه و سلم امیرالمؤمنین علی رضی الله عنه جهت حبیب بن اخطب کی والی خیبر بود نوشته بر همین اسلوبست کی در عهدنامه سلمان ذکر رفت. و نسخه اصل آن عهدنامه را بخط امیرالمؤمنین علی رضی الله عنه این ضعیف دیده است و از آنجا نسخه نقل کرده و ذکر این دو عهدنامه از معظمت مفاخر کتابت کی مثل امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه کی امام المتقین و سید الاصفیاء و المؤمنین است متصدی کتابت بوده...» [دستور الکاتب، ج ۱-۱، صص ۸۲-۸۰].

این بسیار قابل توجه است که در قرن هشتم هجری، در میان نویسندگان، علی بن ابی طالب (ع) صاحب استعداد فن انشاء شناخته شده، و عهدنامه‌ای به قلم وی مورد توجه و مطالعه اهل قلم قرار گرفته است. در آغاز بیان وضع کاتبان در زمان دولت اسلامی نیز، به عنوان یکی از کاتبانی که به خلافت یا مقام بلند رسیدند اول از علی بن ابی طالب (ع) نام برده شده است:

«لایماً در دولت اسلامی کتاب به محل سامی و مرتبه عالی می‌رسیده‌اند تا بعضی به مرتبه خلافت رسیده‌اند حقیقاً باطلا و بعضی متصدی اعمال بزرگی و متقلد اشتغال عظیم شده... از کتاب آنچه به خلافت و پادشاهی رسیده‌اند یکی اولهم و اولاهم بلااستثناء امیر المؤمنین و قاتل المشرکین ابوالحسن علی بن ابی طالب علیه السلام بوده است، و در فقه الکتابه می‌گویند که محل و مکان و منزلت (؟) او در اسلام و مواقف مشهوره و مساعی مذکوره او از آن درجه گذشته است که او را بصفت کتابت منقبتی و محمدی باشد، اما این ضعیف می‌گوید که مقصود ازین سخن مدح و مرتبه کتابتست بوجود شریف او نه مدح او بصنعت کتابت... او کاتب رسول بود علیه السلام... رسایل و خطب و منشآت او نظماً و تئراً باشما هم عنان و باما هم رکاب شده است... نهج البلاغه برین سخن شاهدترین عدلی و عادلترین شاهدهی است». [ت: ۹ پ ۱۰-۱۱ ر ۲۳]

بعد از این، مؤلف قسمتی از نهج البلاغه را نقل کرده است. در این زمان، علی بن ابی طالب (ع) نه فقط کاتب برجسته بلکه ایجادکننده فن استیفاء نیز شناخته شده بود^{۲۵}. باید توجه داشت که در دوره مغول که مذهب شیعه چنین توسعه یافت که در عهد اولجایتو تشیع به صورت موقت رسمیت یافت؛ امام علی (ع) نه فقط میان شیعیان بلکه میان ستیان نیز به عنوان صاحب علوم و فنون مورد احترام قرار گرفته بود^{۲۶}. بعد از اینکه به برجستگی امام علی (ع) به عنوان دبیر اشاره کرده، اسامی کاتبان بزرگ از دوره صدر اسلام تا دوره

که با فصل دوم مقدمه دستور الکاتب برابر است، مشتمل بر روایات مختلف راجع به دبیران در دوران ماضی است، و شکل تاریخچه سنت دبیری را گرفته است. اول، درباره مقام بلند کاتبان در دولت‌های ایران قبل از اسلام، چنین نقل می‌کند:

«در قدیم ملوک عجم جماعتی را که آبا و اجداد ایشان از جلیت کتابت عاقل بوده‌اند رخصت کتابت ندادندی» [ت: ۹ ر ۱]^{۲۷}

«دولت اسلام که خیر آن عام و فیض آن قام بود طوایف امم را علی اختلاف طبقاتهم و تفاوت درجاتهم در آن نعمت مساهم و مشارک گردانید و همه را بنان دولت دعوت فرمود» [ت: ۹ ر ۱].

بعد از این، عهدنامه اردشیرین بابک، سرسلسله دولت ساسانی را نقل کرده، خاطر نشان می‌کند که «از (این عهدنامه) معلوم می‌شود که کتاب نزدیک ملوک عجم تا چه حد معتبر و معظم بوده‌اند» [ت: ۹ ر ۲]^{۲۸}.

سپس موضوع بحث مؤلف به زمان دولت عرب می‌رسد. آنچه که قابل توجه است این که محمد ناموس خواری، برای اینکه بالا بودن مقام کاتب را اثبات کند، درباره امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) بسیار سخن‌رانده است.

«در ایام دولت عرب حرمت و جلالت کتاب تا بحدی بوده است که ابتدا مثال بنام امام بودی و انتهای بنام کاتب. این ضعیف سواد کتابی دید که امیرالمؤمنین علی علیه السلام از اشارت حضرت نبوه علیه الصلوه و السلم بفارسی نوشته است» [ت: ۹ پ ۳].

تحفه جلالیه یا جلالیه در علم مکاتبه اثر محمد بن علی ناموس خواری، رساله‌ای قابل توجه در فن انشاء است که در اواخر دوره ایلخانان، پیش از دستور الکاتب تألیف شده است.

نفائس الفنون فی عرائس العنون،

تألیف شمس الدین محمد بن محمود آملی

(متوفی سال ۷۵۳ ه. ق. به بعد)

دائرة المعارف جامع و مفصلی است در علوم که بخشی از آن

به عنوان منبعی که وضع آداب کتابت و فن انشا

در قرن هشتم هجری را نشان می‌دهد، سودمند است.

فصیح و بلیغ باشد و ترکیبات قلق و مضطرب نباشد و از شنیدن آن سماع لذت یابد و زود فهم کند، و شناختن این نوع کلام موقوفست بر معرفت فصاحت و بلاغت» [ت: ۱۶ ر ۱]. از این رو، فصاحت و بلاغت و «یجاز و اطناب» مطالب این فصل محسوب شده‌اند.

فصل سوم «العله الصوریه» درباره ترکیب نامه است. این موضوع بر شش اصل مبنی است: «اسم الله»، «خطاب»، «لقاب»، «دعا»، «حکایت»، و «اسم کاتب». در فصل چهارم «العله الغائیه» بر سر فایده نامه، یعنی مقصود نوشتن نامه بحث کرده است. «فایده نامه چنانکه یاد کرده شد اخبار مکتوب‌الیه است بمعنی که بذات کتابت قایل باشد، و آن معنی در دو قسم، خبر و طلب» [ت: ۳۴ ر ۱]. در این فصل است که درباره انواع نامه مانند امثله و اخوانیات توضیحی داده شده است.

به این ترتیب معلوم می‌شود که محمد ناموس خواری، در تحفه جلالیه، فن انشاء را طبق حکم فلسفه منظم و منطقی بیان کرده است. به سخن دیگر، وی سعی کرد که این فن را تهذیب کند تا حدی که به سطح فلسفه برسد.

۳- تعریف و توضیح منصب کاتب در تحفه جلالیه

اکنون، از رکن‌های فصل اول باب چهارم قسم اول تحفه جلالیه، رکن اول «فی الکاتب و مقامه و بیان شرفه و ذکر بعض الکتاب و الارشاده الی مراتبهم و تدابیرهم» را مورد مطالعه قرار می‌دهیم و نظر محمد ناموس خواری راجع به کاتبان را بررسی می‌نمائیم:

رکن اول فصل اول باب چهارم قسم اول تحفه جلالیه،

عباسیان را آورده است. اسامی کسانی که به عنوان کاتب مشهور نام برده شده‌اند از قرار زیراند:

[ت: ۱۰-۱۱ پ؛ دستور الکاتبه ج ۱، صص ۸۰-۷۵] (= اسامی که در دستور الکاتبه آورده شده‌اند، [] فقط

در تحفه جلالیه آورده شده است. البته تفاوت بین تحفه جلالیه و دستور الکاتبه هم به نسخه تحفه جلالیه که مؤلف این اوراق مراجعه کرده و هم نسخه‌ای که محمد بن هندوشاه از آن نقل کرده بستگی دارد.

عثمان بن عفان (امیرالمومنین عثمان) / معاویه بن ابی سفیان (معاویه) / مروان بن الحکم (مروان حکم) / عبد الملک بن مروان (عبدالملک مروان) / عمر بن سعید بن العاص / زبایدن ایه / عبد الله بن خلف الخراعی / ابوموسی اشعری / قیصه بن ابی ذویب / الحسن بن الحسن البصری (حسن بن ابی الحسن البصری) / محمد بن سیرین (?) (محمد بن سیر بن معبر) / عامر الشعبي / سعید بن جبیر بن مطعم (سعید بن جبیر) / زاد انفرخ اعور / سلیمان بن سعید الخشمی (سلیمان بن سعید الخشمی) / عبد الحمید بن یحیی / عبدالله بن المقفع / خالد بن برمک / ابو عبدالله الکاتب / یونس بن فروه / (ابراهیم بن هلك الصابی) بعد از ذکر تاریخچه کاتبان، مؤلف چنین نتیجه‌گیری می‌کند:

«غرض ازین اطنان آن بود کی تا معلوم گردد که دایم کتاب معظم و معتبر بوده‌اند و هیچ وقت در مرتبه انحطاط و درجه ادنی و مرتبه نازک نمانده و هر یک بحسب استعداد و قوت قدرت خود بمحل رفیع و مکان عالی رسیده.» [ت: ۱۱ پ] محمد بن هندوشاه نخجوانی به این تاریخچه کاتبان و منشیان که از تحفه جلالیه نقل کرده، اخبار معاصرین خود را افزوده است:

«و درین روزگار در ولایت مصر و شام مرتبه کتاب سر سلاطین آنجا بر مراتب وزراء فایق و راجح است و اقطاعات کتاب اسرار ایشان مساوی اقطاعات امراء مملکت باشد.... پس باید کی بر سلاطین روزگار واجب و لازم باشد کی جانب ایشان را بحسن رعایت و محافظت و تقویت و تربیت فرمایند و بترتیب مهمات و مصالح ایشان اهتمام تمام نمایند تا ایشان در خدمتی کی بدان مامور و مشغول اند بیفزایند و موجب رونق پادشاهی و مملکتی گردد.» [دستور الکاتبه ج ۱-۱ صص ۸۱-۸۰].

به این ترتیب، محمد ناموس خوارى، برای اثبات مقام بلند کاتبه احوال کاتبان نامدار از دوران قبل از اسلام تا دوره عباسیان را نقل کرده، و خاطر نشان کرده است که همه آنها به مرتبه عالی رسیدند. به سخن دیگر، وی تأکید می‌کند که فن انشاء و گروه صاحبان آن از تاریخ عظیم و شکوفا برخوردارند. در آخر این فصل، به منابعی که وی استفاده کرده اشاره می‌کنیم:

محمد ناموس خوارى از کتب مختلف روایات و موارد متعدد را نقل کرده است و اسامی آن کتب را در اثرش آورده است؛ عیون الاخبار [ت: ۹ پ، ۲۰ پ، ۲۱ پ، ۳۴ پ، ۳۶ ر و غیره] فقه الکاتبه [ت: ۹ ر] نهج البلاغه [ت: ۱۰ ر] مؤوی الغریب و مرعی الادیب [ت: ۱۰ ر] کتاب الاعجاز [ت: ۲۲ ر] کتابی بنام مفتاح [ت: ۲۲ ر] و غیره. بویژه از عیون

الاجبار تالیف عبدالله بن مسلم النحوی الدینوری معروف به ابن قتیبه (سالهای ۲۷۶-۲۱۳ هـ. ق.) استفاده بسیار کرده است. این اثر کتاب بزرگ ده جلدی است که حاوی نمونه‌هایی از آثار ادبی عصر در مسائل مختلف است که هر دسته تحت عنوان نقل شده و با نظر مؤلف در مورد آنها در آمیخته است. ابن قتیبه، در اثر خود، از کتابهای مشهور پهلوی که به عربی ترجمه شده موارد متعدد را نقل کرده است، و از الادب الکبیر و الادب الصغیر، تالیفات عبدالله المقفع، مترجم تالیفات پهلوی به عربی در قرن دوم هجری نیز بارها استفاده کرده است. از این رو، معلوم می‌گردد که تمایل محمد ناموس خوارى به تاریخ ایران قبل از اسلام از این منبع ناشی شده است. گزاشی که وی در تالیف تحفه جلالیه نشان می‌دهد، یعنی علاقه به تاریخ ایران باستان و احترام عمیق به علی بن ابی طالب (ع) که با هم آمیخته شده، گزاشی بود که بتدریج در میان ایرانیها ترویج یافته اساس احساس نوعی وطن پرستی ایرانی را شکل داد. این قابل توجه است که همین گزایش توسط محمد ناموس خوارى حتی در افکار راجع به آداب کتابت و فن انشاء پدید آمده، و در دستور الکاتب نیز نقل شده است.

در حالی که محمد ناموس خوارى در اثر خود سعی کرد که اهمیت علم انشاء و مقام بلند کاتبان را اثبات کند، باید به این نیز توجه کرد که وی از وضع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی زمان خود که در آداب کتابت نیز لزوماً تأثیر گذاشته بود آگاهی داشت. در اول قسم دوم وی چنین گفته است: «چون درین روزگار امثله و مناشیر اکثر بمغولی می‌نویسند و آنچه وزراء و اکابر عصر می‌نویسند در آن باب بزیادت بلاغی و فصاحتی احتیاج نیست، و آنچه بدیشان می‌نویسند محتاج شرح نیست که آنرا چه حالست، اما اتمام صنعت را چند رساله در آن معنی نیز در قلم آریم و لیکن بحکم تقدم الاله اخوانیات را بر اخوات او تقدم کنیم.» [ت: ۴۰ ر] این سخن بسیار قابل توجه است که به چگونگی امور اداری دولت ایلخانان اشاره می‌کند. سخن محمد ناموس معلوم می‌کند که در دستگاه حکومت مغول امثله و مناشیر به زبان مغولی نوشته می‌شدند. این مسئله شاید باعث شد که نقش کاتبان و فن انشاء به فارسی در دستگاه حکومت مغول تا حدی محدود بشود. با در نظر گرفتن این نکته، می‌توان فهمید که محمد ناموس در تحفه جلالیه به چه دلیل به بیان اخوانیات بیشتر اهمیت می‌دهد.

نتیجه و چشم انداز

در این اوراق، سعی کرده‌ایم که با توجه به دستور الکاتب فی تعیین المراتب تالیفات در فن انشاء در قرن هفتم و هشتم هجری که با دوره حکومت مغولان بر ایران موافق است را مورد مطالعه قرار دهیم، و وضع رشد و توسعه فن انشاء و عقاید راجع به دبیری که در دستور الکاتب تأثیر گذاشته است را به طور کلی و مختصر بررسی نماییم.

سنت تالیف کتاب راهنمای فن انشاء و مجموعه منشآت اداری که در این اوراق مجموعه منشآت «دبیری» نامیده‌ایم، در حدود قرون پنجم و ششم هجری پدید آمده است و این نشانگر آن است که فن انشاء در این قرون تقریباً به طور

کامل شکل گرفته بود. و مجموعه‌های منشآت دبیری که در قرون هفتم و هشتم هجری به رشته تحریر رسیده نیز طبق این سنت پدید آمده‌اند.

ولی، در عین حال، در افکار نظری راجع به آداب کتابت و فن انشاء در این دوره مورد نظر پیشرفت چشمگیری را می‌بینیم که تحفه جلالیه محمد ناموس خوارى نشاگر آن است. تحفه جلالیه، هم از نظر ارتباط با دستور الکاتب و هم از نظر نظریات قابل توجه درباره کتابت که در آن دیده می‌شود، برای بررسی رشد فن انشاء در دوره مورد نظر ما منبع بسیار با ارزشی می‌باشد.

این اوراق، گزارشی مختصر و مقدمه‌ای، است که در آن، پیرامون وضع فن انشاء فقط مباحث کلی را مطرح نمودیم. ولی با توجه به بررسی‌های فوق، می‌توان گفت که برای نقد و بررسی دستور الکاتب، مهمترین منبع برای بررسی نظام حکومتی دوره مغول، باید توجه داشت که این اثر بی‌نظیر نتیجه رشد و توسعه سنت تدوین مجموعه منشآت دبیری و پیشرفت نظری فن انشاء در قرن هفتم و هشتم هجری است، که در کل تاریخ علمی و ادبی ایران، دوره بسیار پر اهمیتی محسوب می‌شود.^{۴۸}

فهرست منابع و مآخذ

نسخ خطی فارسی

محمد بن هندوشاه نخجوانی: الارشاد فی الانشاء، نسخه خطی متعلق به کتابخانه اسعد افندی ترکیه به شماره ۳۳۴۶ (فیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است به شماره ۱۹۴، و عکس آن به شماره ۲۵۴).

موفق بن محمد مجدی: مصباح الرسائل و مفتاح الفضائل، نسخه خطی متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی (سنا) به شماره ۲۲۸.

محمد بن علی ناموس خوارى: تحفه جلالیه یا جلالیه در علم مکاتبه،

- ۱- نسخه متعلق به کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران (نسخه‌های خطی حکمت به شماره ۱۹۴).
- ۲- نسخه متعلق به کتابخانه پارس به شماره P.۲۱۸ (فیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است به شماره ۱۳۳۰).
- ۳- نسخه متعلق به کتابخانه توبینگن به شماره Or.Oct ۳۵۱۲ (فیلم آن در کتابخانه مرکزی به شماره ۱۱۹۱).

منابع و مآخذ تاریخی فارسی و عربی

ابن درستی، عبدالله بن جعفر بن درستی، بن المرزبان الفسوی الفارسی: کتاب الکاتب، با تحقیق ابراهیم السامرائی و عبدالحسین الفتای، بیروت، دارالنجیل، ۱۴۱۲ هـ. ق. (۱۹۹۲ م).

ابن زیار، عنصر المعالی کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن و شمگیر: قابوس نامه، به اهتمام و تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، شرکت علمی و فرهنگی، سال ۱۳۷۵ (چاپ هشتم).

بهاءالدین محمد بن مؤید بغدادی: التوسل الی التوسل، به اهتمام احمد بهمنیار، تهران، ۱۳۱۵.

جوینی، علاءالدین عطاملک: تاریخ جهانگشای، به



**در کتاب نفائس الفنون فی عرائس العنون،
مؤلف علوم را بر دو قسم، «علوم اواخر»
(علوم بعد از اسلام، ادبیات، شرعیات، علوم تصوف و
علوم محاوره) و «علوم اوایل» (علوم پیش از اسلام،
حکمت عملی، اصول حکمت نظری، اصول ریاضی،
فروع طبیعی و فروع ریاضی) تقسیم کرده است.
از مقالات راجع به علوم اواخر، مقاله اول درباره ادبیات است
که پانزده فن به آن تعلق دارند و از این پانزده فن،
چهاردهمشم علوم انشاء است.**

**در قرن هشتم هجری، در میان نویسندگان،
علی بن ابی طالب (ع) صاحب استعداد فن انشاء
شناخته شده و عهدنامه‌ای به قلم وی مورد توجه و
مطالعه اهل قلم قرار گرفته است.**

اهتمام محمدقزوینی، تهران، دیبای کتاب، ۱۳۷۵، ج ۲.
حمدالله مستوفی قزوینی: نزهت القلوب، به اهتمام
گای لیسترانچ، لیدن، ۱۹۱۳ م.
رشیدالدین فضل‌الله همدانی: جامع التواریخ، به
اهتمام محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران، نشر
البرز، ۱۳۷۳، ج ۲.
رشیدالدین وطواط: نامه‌های رشیدالدین وطواط، با
مقدمه‌ای درباره شرح حال و نقد آثار رشیدالدین، و
خانمه‌ای در تعرفه رجالی که نامه ایشان در آثار رشید
آمده است، بقلم دکتر قاسم توپسرکانی، تهران، انتشارات
دانشگاه تهران، ۱۳۳۸.
السمرقندی، ابوالحسن احمد بن عمر بن علی
النظامی العروسی: چهار مقاله، طبق نسخه‌ای که بسعی
و اهتمام و تصحیح محمد قزوینی بسال ۱۳۲۷ هـ. ق.
چاپ شده با تصحیح مجدد و شرح لغات و عبارات و
توضیح نکات ادبی به اهتمام محمد معین، تهران،
انتشارات صدای معاصر، ۱۳۷۶ (چاپ دهم).
شمس‌الدین محمدبن محمودآملی: نفائس الفنون
فی عرائس العنون، به اهتمام حاج میرزا ابوالحسن
شعرانی، ۳ جلد، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیه،
۱۳۷۷-۱۳۷۹ هـ. ق.
محمد بن هندوشاه نخجوانی: دستور الکاتب فی
تعیین المراتب، به اهتمام عبدالکریم علی اوغلی علی‌زاده،
۲ ج، مسکو، ۱۹۷۶-۱۹۶۴ م.

شمس‌الدین محمدبن محمود آملی: صحاح الفرس؛
فرهنگ لغات فارسی از قرن هشتم هجری، به اهتمام
عبدالعلی طاعتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب،
۱۳۴۱.
منتجب‌الدین بدیع اتابک الجوبینی: عتبه‌الکتبه، به
اهتمام محمدقزوینی و عباس اقبال، تهران، ۱۳۲۹.
المیهنی، محمدبن عبدالخالق: دستور دبیری، به
تصحیح و اهتمام عدنان صادق ارزوی، انفره، انتشارات
دانشکده الهیات دانشگاه انقره، ۱۹۶۲ م.
ناصر منشی کرمانی: دره‌الاجار و لمعه الانوار، از
روی متن فارسی چاپ هند با برخی تصحیحات و اضافات
بچاپ رسیده، تهران، ضمیمه سال پنجم مجله مهر،
سال ۱۳۱۸.
هندوشاه بن سنجر بن عبدالله صاحبی نخجوانی:
تجارب السلف، به اهتمام عباس اقبال آشتیانی و توفیق
سیحانی، تهران، طهوری، ۱۳۵۷ (چاپ سوم).
هندوشاه بن سنجر بن عبدالله صاحبی نخجوانی:
صحاح العجم، به اهتمام غلامحسین بیگدلی، تهران، مرکز
نشر دانشگاهی، ۱۳۶۱.
مؤلف ناشناخته، المختارات من الرسائل: مجموعه
منشآت و فرامین و احکام دیوانی و شرعی و عرفی از
قرون پنجم و ششم و هفتم هجری، از روی نسخه
کتابخانه وزیری (یزد)، با مقدمه و فهرس به کوشش
ایرج افشار، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۲۵۳۵.

کتاب تحقیقاتی فارسی
ثابتی، سید علی موید: اسناد و نامه‌های تاریخی،
تهران: کتابفروشی طهوری، ۱۳۴۶.
صفا، ذبیح الله: تاریخ ادبیات در ایران، جلد دوم و
سوم.
ج ۲، تهران: انتشارات ابن سینا،
ج ۳، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۶۶ (چاپ چهارم)
نوائی، عبدالحسین: اسناد و مکاتبات تاریخی ایران،
تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۲۵۳۶.
مقالات فارسی
نجم آبادی، سیف‌الدین: «دستنویس‌های فارسی در
کتابخانه سابق برلین»، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه
تهران، س ۷، ش ۳ (سال....)
فهارس و لغتنامه‌های فارسی
حاجی خلیفه: کشف الظنون.
دانش پژوه، محمدتقی. فهرست میکروفیلم‌های
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران، دانشگاه تهران،
جلد اول، ۱۳۴۸.
منزوی، احمد: فهرست نسخه‌های خطی فارسی،
جلد سوم، تهران: موسسه فرهنگی منطقه‌ای، ۱۳۵۰؛
جلد پنجم، ۱۳۵۱.
لغت نامه دهخدا
منابع و ماخذ زبانهای اروپائی
Aubin, Jean, Emirs mongols et vizirs persians
dans les remous de lacculturation, paris,
۱۹۹۵.
Encyclopaedia of Islam (New Edition)
پانوشتها:
۱- محمدبن هندوشاه نخجوانی: دستورالکاتب فی
تعیین المراتب، به اهتمام عبدالکریم علی اوغلی علی
زاده، ۲ ج، مسکو، ۱۹۷۶-۱۹۶۴ م.
۲- درباره انواع مجموعه منشآت و مشخصات آن،
رجوع بشود به ثابتی، سید علی موید: اسناد و نامه‌های
تاریخی، تهران: کتابفروشی طهوری، ۱۳۴۶، صفحات
هفت تا بیست مقدمه.
۳- درباره انواع مجموعه منشآت ادبی، رجوع شود به
منزوی، احمد: فهرست نسخه‌های خطی فارسی، جلد ۵،
تهران، ۱۳۵۱، صص ۳۶۳۹-۳۶۳۷.
۴- رک: نوائی، عبدالحسین: اسناد و مکاتبات تاریخی
ایران، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶، ص ۲۲.
۵- می‌گویند که مؤلف عتبه‌الکتبه ضمناً تالیفی راجع
به آداب کتابت بنام رقیه القلم نیز داشته است. رک:
دکتر ذبیح الله صفا: تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، تهران:
انتشارات ابن سینا، ۱۳۳۹ (چاپ سوم)، ص ۹۷۱.
۶- ثابتی، پیشین، صفحات از هفت تا هشت.
۷- ابن درستویه، عبدالله بن جعفر بن درستویه بن
المرزبان القسوی الفارسی: کتاب‌الکتاب، با تحقیق ابراهیم
السامرائی و عبدالحسین الفتای، بیروت، دارالجلیل، ۱۴۱۲

هـ - (۱۹۹۲ م.)

۸- منتجب‌الدین بدیع اتابک الجوینی: عتبه‌الکتبه، به اهتمام محمد قزوینی و عباس اقبال، تهران ۱۳۲۹.
۹- بهاء‌الدین محمدبن مؤید بغدادی: التوسل الی الترسل، به اهتمام احمد بهمنیار، تهران، ۱۳۱۵.

۱۰- محمد بن عبدالخالق المیهنی: دستور دبیری، به تصحیح و اهتمام عدنان صادق آرزوی، انقره: انتشارات دانشکده الهیات دانشگاه انقره، ۱۹۶۲ م.

۱۱- ابوالحسن احمدبن عمر بن علی النظامی العروسی السمرقندی: چهار مقاله، طبق نسخه‌ای که به سعی و اهتمام و تصحیح محمد قزوینی به سال ۱۳۲۷ هـ. ق. چاپ شده با تصحیح مجدد و شرح لغات و عبارات و توضیح نکات ادبی به اهتمام محمد معین، تهران، انتشارات صدای معاصر، ۱۳۷۶ (چاپ دهم)؛

ابن زیار، عنصر المعالی کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر: قابوس نامه، به اهتمام و تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، شرکت علمی و فرهنگی، سال ۱۳۷۵ (چاپ هشتم).

۱۲- رقعہ، به گفته مؤلف، یک شیوه نگارش نامه است و موضوعات رقعہ‌هایی که مطرح شده‌اند تقریباً باموضوعات اخوانیات نزدیک‌اند. رک: دستور دبیری، صص ۳۰-۲۹. «نامه آن نبشته را خوانند کی بمسافتی دور فرستند و از چند نوع سخن درو تقریر کنند و تاریخ و عنوان دارد، رقعہ آن نبشته را خوانندکی مسافتی دور در میان نباشد و بر یک مقصود بیش مشتمل نبود و عنوان و تاریخ ندارد».

۱۳- همان کتاب، ص ۲: «در خاتمت کتاب چند مثال از وثایق محاسبات و صکوک شرعی ایراد افتاد».

۱۴- هندوشاه بن سنجر بن علاءالله صاحبی نخجوانی. تجارب السلف، به اهتمام عباس اقبال آشتیانی و توفیق سبحانی، تهران: طهوری، ۱۳۵۷ (چاپ سوم)، صص ۵-۴.
۱۵- محمدبن هندوشاه نخجوانی. صحاح الفرس: فرهنگ لغات فارسی از قرن هشتم هجری، به اهتمام عبدالعلی طاعتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۱.

علی‌زاده اشتباه محققان را تکرار کرده است که این اثر را با صحاح العجم، اثر پدرمحمدبن هندوشاه، فخرالدین هندوشاه، یکی بدانند. صحاح العجم نیز لغت نامه‌است ولی این چیزی دیگر است. رک: هندوشاه نخجوانی- صحاح العجم، به اهتمام غلامحسین بیگدلی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۱، دیباچه، صص ۱۱-۵.

۱۶- دستور الکاتب، ج ۱-۱، دیباچه، ص ۱۱.
۱۷- درباره حمایت وزیر غیاث‌الدین رشیدی از ادباء و نویسندگان، رک: ناصر منشی کرمانی: دره الاخبار و لمعه‌الانوار، از روی متن فارسی چاپ هند با برخی تصحیحات و اضافات بچاپ رسیده، تهران، ضمیمه سال پنجم مجله مهر، سال ۱۳۱۸، مقدمه، صص ۹۱۰.
۱۸- دستور الکاتب، ج ۱-۱، دیباچه، ص ۱۱.

۱۹- مثلاً وی در فصل دهم ضرب دوم باب اول قسم دوم درباره منصب دفترداری ممالک که بعد از سقوط دولت ایلخانی از بین رفته توضیح داده است (دستور الکاتب، ج ۲، ۱۲۳-۱۲۵).

۲۰- درباره احوال و انشاء او، رجوع شود به رشیدالدین و طواط: نامه‌های رشیدالدین و طواط، با مقدمه‌ای درباره شرح حال و نقد آثار رشیدالدین، و خاتمه‌ای در تعرفه رجالی که نامه ایشان در آثار رشید آمده است، بقلم دکتر قاسم توپسرکانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۸، صص ۸-۳؛ عتبه‌الکتبه، صص ۱۰۲-۱۰۱؛ رجوع شود به مطالبه نفائس الفنون در فصل سوم همین مقاله.

۲۱- دستور الکاتب، ج ۱-۱، ص ۷.
۲۲- لغت نامه دهخدا، «خوارزمی‌ق جمال‌الدین محمدبن العباس». نوشته او در نفائس فنون نیز دیده می‌شود. رک: مطالبه نفائس الفنون در فصل سوم همین مقاله.

۲۳- دستور الکاتب، ج ۱-۱، صص ۵۷-۵۵.
۲۴- الارشاد فی الانشاء، نسخه خطی متعلق به کتابخانه اسعد آفندی ترکیه به شماره ۳۳۴۶، تاریخ کتابت سال ۷۷۱ هـ. ق. فیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است به شماره ۱۹۴، و عکس آن به شماره ۳۵۴. رک: احمدمنزوی. فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۳، صص ۲۰۸۴-۲۰۸۳.

۲۵- درباره وضع کلی نگارش تالیفات فارسی در انشاء و علوم بلاغت و شعر در قرن هفتم و هشتم هجری، رک: صفا، ذبیح‌الله: تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۶۶ (چاپ چهارم)، صص ۲۹۸-۲۹۶.

۲۶- منزوی: فهرست نسخه‌های خطی، ج ۳، ص ۲۱۱۸.

۲۷- Encyclopaedia of Islam (New Edition), "KADIASKAR" (by Gy. Kaldy Nagy).

۲۸- منزوی، احمد: فهرست نسخه‌های خطی، ج ۳، ص ۲۰۹۷. نسخه سده ۷-۸، نوشته زکریا بن عوض کتاب، در سال ۶۵۶ (!)، در فهرست به نام «مجموعه جلالیه در علم مکاتبه» یاد شده است. همراه «مفتاح الانشاء» محمد بن حاجی است که در سال ۷۱۷ ساخته است.

۲۹- همان کتاب، همان جا؛ فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ص ۶۹، نسخه‌ای به خط نستعلیق، تاریخ یاد نشده.

۳۰- دکتر صفا در کتاب خود، برپایه فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس (بلوشه، ج ۱، صص ۲۶۵-۲۶۴) به این اثر اشاره‌ای نموده است (تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، ص ۲۹۸). ولی اسم نویسنده را اشتباهاً «محمدبن علی خوارزمی» نوشته است.
۳۱- حمدالله مستوفی قزوینی: نزهت القلوب، به

اهتمام گای لیسترانچ، لیدن، ۱۹۱۳، صفحات ۱۶۱ و ۱۷۳. در فارس نیز قلعه‌ای بود بنام قلعه خوار (همان کتاب، ص ۱۲۳).

۳۲- جوینی، علاء‌الدین عطاملک: تاریخ جهانگشای، به اهتمام محمدقزوینی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۵۶.

۳۳- رشیدالدین فضل‌الله همدانی: جامع التواریخ، به اهتمام محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران: نشر البرز، ۱۳۷۳، ج ۲، صفحات ۱۰۶۱ و ۱۱۶۳.

۳۴- مثلاً، در شجره‌نامه خاندان فریومدی که زان اوبن تهیه کرده است، از این جلال‌الدین‌زنگی نام برده است. رک:

Aubin, Jean, Emirs mongols et vizirs persians dans les remous. ص ۸۹. delacculturation, paris, ۱۹۹۵.

۳۵- نجم آبادی، سیف‌الدین: «دستنویس‌های فارسی در کتابخانه سابق برلین»، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، س ۷، ش ۳، ص ۶۷.

۳۶- صفا، ذبیح‌الله: تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، ص ۱۲۷۴-۱۲۷۵.

۳۷- شمس‌الدین محمدبن محمودآملی: نفائس الفنون فی عرائس العنون به اهتمام حاج میرزا ابوالحسن شعرانی، ۳، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۹-۱۳۷۷ هـ. ق.، ج ۱، صص ۳۰۳-۲۷۵.

۳۸- دستور الکاتب، ج ۱-۱، صص ۱۲۱-۹۹؛ چهارمقاله، صص ۱۹۴۲.

۳۹- نفائس الفنون، ج ۱، ص ۲۷۵.

۴۰- لغت‌نامه دهخدا، «علت»، «علت فاعلی»، «علت مادی»، «علت صوری»، و «علت غائی».

۴۱- دستور الکاتب، ج ۱-۱، ص ۶۵.

۴۲- همان کتاب، همان جلد، صص ۶۸-۶۶. در دستور الکاتب متون عربی عهدنامه همراه ترجمه فارسی است.

۴۳- همان کتاب، همان جلد، ص ۷۰.

۴۴- همان کتاب، همان جلد، صص ۷۵-۷۶.

۴۵- نفائس الفنون، ج ۱، صص ۳۰۴-۳۰۳.

۴۶- مذهب محمدبن ناموس خواری معلوم نیست، ولی از اینکه وی حقائق الوثائق، مجموعه خطاب شرعی طبق تسنن شافعی را نگاشته است، به احتمال زیاد او سنی شافعی بود. رک: فصل سوم همین مقاله.

۴۷- ماوی‌الغریب و مرعی‌الادیب، تألیف احمد بن محمدالمیدانی التیشابوری (متوفی در سال ۵۱۸ هـ. ق.) (حاجی خلیفه، کشف‌الظنون، ج ۲، ص ۱۵۷۶).

۴۸- برای بررسی عمیقتر در وضع فن‌انشاء فارسی در دوره مورد نظر، به بررسی تطبیقی تالیفات در انشاء که در این اوراق از آن نام برده‌ایم با صحیح الاعشی فی صناعة الانشاء تألیف القلقشندی، تألیف فن‌انشاء عربی در اوایل قرن نهم هجری، نیاز داریم.